

هم مهستان :  
مرتحمس بی خواهد با ساسور  
مطهر عاب مردم را درسی خبیری  
بگه دارند .  
باروریا مهای دیواری ویا باجر  
وسله دیگر مردم را از حقایق کس در  
مهستان می گذرد . مطلع سازید .



کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸

قیمت باضمیحه ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۳۳

# باقرار گرفتن چمران در راس نیروهای مسلح مرتجع ترین جناح هیات حاکمه قدرت سیاسی را قبضه کرد

دادستان انقلاب اسلامی:

## "از نظر اسلام جامعه بی طبقه یک لفظ فریبنده است"

آقای آذری قمی دادستان کل  
انقلاب اسلامی پس از همه بگیر و ببند ها و  
دسوراتی که برای اعمال سانسور ، تعطیل  
مطبوعات ، اراک و سرچشمین دفاتر سازمانها ی  
انقلابی و مبارز صادر گردید پس از همه  
افدامانی که به منظور محو کامل طبقه های  
دموکراتیک انجام داد . در جریان استعفا ی  
خود که هنوز هم از چند چوچون خبری نیست  
بالاخره حزب آخرا از دو پرده آزادی دیدگاه  
خود دست بردارده . جامعه بی طبقه "ترداسو  
صنایک ما صراحت کامل اعلام کرد اساسا  
"جامعه بی طبقه" یا "اقتصاد اسلامی" هیچ  
گونه نظامی ندارد ، دختنی و عتاد خود را  
سراز "جامعه بی طبقه" پوشیده نداشت . او  
در این گفتار نشان داد که نه تنها با برقراری  
"جامعه بی طبقه" و از میان رفتن استعمار  
نیروهای حاکمیت ندد مخالف است ،  
بلکه باید گفت حتی تحمل شنیدن اسم آنرا هم  
ندارد . آذری قمی صنایک ما صراحتا خود را  
"جامعه بی طبقه" یا "اقتصاد اسلامی" را  
و اقتصاد اسلامی گفت :

بعضی ها می گویند اسلام واقعا د  
اسلامی مبتنی بر جامعه بی طبقه است یعنی  
افراد از نظر دارائی و ثروت و از نظر مالکیت  
همه باید در عرض هم باشند این لفظ فریبنده  
است که متاسفانه از بعضی عمده پسرهایم من  
شنیده ام . . . اسلام از این غیرت ما متفاده  
کرده که نشان کاری انجام دهد و نتیجه این  
بفیه در صفحه ۲

علی محمد عرب  
"نماینده"  
کارگران ایران  
در مجلس خبرگان را  
بشناسیم

آقای علی محمد عرب ب  
ارتجاعی ترین جناح مجلس به تیانسی  
پرداخته تا برای درهم کوبیدن حتی  
ساده ترین ارگانهای صنفی کارگری  
اصول و قوانینی دست و پا کند .  
در رژیم سابق رسم بر این بود که  
نسیاساواکی ها و عاصرا کلا و استه به آن  
حق ورود به مجلس را داشتند . مردم بر  
عاس مسئله واقف بودند . بنابراین  
به رای می دادند و برای وکل جماعت  
تره حوردمی کردند . اما بعد از قمام و  
استقرار حاکمیت جدید ظاهرا همه  
بفیه در صفحه ۳

## ترمیم مجدد کابینه نشان دهنده بحران است که قدرت سیاسی حاکم با آن روبروست.

● دعوا بر سر این است که سرمانه داری وابسته با پوشش "آبرو نندانه" ترمیم  
شود ، با ایران ۱۴۰۰ سال به عقب برگردد و ولایت فقیه تحقق یابد .  
● سه محدود کاسه سراز هر جز  
سان دهنده بحران است که قدرت سیاسی  
حاکم با آن روبروست .  
● ۱- بحران سیاسی ، ارماسره سیاسی  
بفیه در صفحه ۲

## بدنبال تصویب ولایت فقیه خیمه شب بازی در مجلس خبرگان وضع مضحکی به خود گرفته است

این روزها "خبرگان" مجلس  
بررسی قانون اساسی حلی "زیستگ"  
نده اند و در جلسه سه چهارم اصل  
به اصطلاح "قانون اساسی" در  
مجلس می نشیند . کولایت فقیه  
حرفای این مجلس فذالی است .  
راضی نبوده ، و بی خواهند بترجه زودسر  
سروبه این خیمه شب بازی راهم بیاورند .  
سند اگر می نوانستند همه اصول قانون  
اساسی مورد نظرشان (طرحی را که آقای  
سبطری در کیهان منتشر کرد) را بصورت  
نامه واحد بایک قیام و معود به تصویب  
می رساندند و بکاره ارسره همین جناس  
بفیه در صفحه ۲

## چرا دستگاههای تبلیغاتی دولت اینهمه برای شوراها تبلیغ می کنند؟

این روزها حلی ارسورا اصحت  
می شود . رادورا که با می کسی ، علورسور را  
کروس می کشی . در حیرانی های متعدد ی  
که از طرف خبرگان مجلس به عمارس  
مجلس ایادی می شود . هر روز نامه ای را که بار  
می کشی . همه و همه دستگاههای تبلیغاتی  
دولت ، از شورا اصحت می کنند و سعی دارند  
سورا را (السه به آن صورتی که مورد نظر  
خیه در صفحه ۳

## مساله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی خلق کُرد جدا نیست

● حزب دموکرات کردستان یک حزبان دموکراتیک با گرایش امپریالیستی است  
که عمدتا متکی به افشار متوسط خلق کرد است .  
● کنگراس وحدت با موصعگیری سیاسی خود در کردستان  
با ارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه همداشته است . ( قسمت دوم )  
در صفحه ۶

## بزرگداشت دکتر رشوند سرداری

مراسم مجلس روز شهادت دکتر  
سازمان چریکهای فدائی خلق  
ایران که همواره به حمایت مردم  
قهرمان میهن تکیه داشتند ، امروز  
بیتنازه زمان دیگر نیاز مند  
بستیبانی شتاب .  
کنکهای مالی خود را به حساب  
شماره ۹۸۰۳۲۰ بانک ملی ایران شعبه  
دانشگاه به نام عباس فصیلت کلام  
وار بر نمائید .

## بازگشائی دانشگاهها و مدارس و صف بندی جدید نیروها

سرمقاله  
سرمقاله شماره گذشته را با بررسی موضع وصف بندی نیروهای ملی و مذهبی  
آغاز کردیم . در این شماره در ادامه آن موضع و موقعیت فعلی و آتی نیروهای چپ را  
ارزیابی می کنیم .  
صف بندی نیروهای چپ در دانشگاه ، همه فعالیتس نیروهای دانشجویی را در خود  
حای داده است . طی سالهای ۴۹-۴۴ مازاد دانشجویی عرسا بطور کامل تحت  
هدایت نیروهای چپ اداره می شد . در آن سالها نیروهای مذهبی فعال نبودند و اگر  
هم حرکتی از آنها چشم می خورد در حیات حشش دانشجویی ابرجدانی نداشت .  
سپاهدار سال ۴۹ بود که جناح مذهبی از جناح چپ جدا شد . ناان زمان اساسا  
صف بندی نیروها مثل امروز شکل نگرفته بود . ماهر یک ماهوت ایدئولوژیک حسانی  
خود شاخته شود .  
صف بندی امروزس نیروهای چپ محصول مرحله بعضی ارسرد ایدئولوژیک  
حشش کمونیستی ایران و شکل گیری عقیدتی آن است و درست به همگونه امحا  
ان صف بندی در درون حشش کمونیستی که منضم سرون راندن خراسیهای  
اجرائی از آن . درون آست به لغوع بار هم سیر ایدئولوژیک . ساسی و  
شکلائی حشش کمونیستی ایران شکی دارد . که این خود گام برتری به سوی  
تشکیل حزب است . امروز در عرصه این حشش دیگر نفس است که سوری عمده در  
حشش کمونیستی ایران . بعضی حشش طعه کارگر ایران ، سازمان ماوتولست  
هروغ کوتاهی و کج اندیشی در آن زمینه شخما بر عیده ماست . چنانچه حرکت  
سازمان در ماههای اخیر را بررسی کنیم ، در خواهم یافت که این موصع بار هم  
سشتر ربه تحکیم خواهد رفت (نتیجه این شرط مهم که مبارزه ایدئولوژیک چه در  
سطح سازمان و چه در سطح حشش به نحو بکیر جریان داشته باشد) .  
در زمان سایر جریانات مدعی مارکسیسم دو حط سازمان نامه دیگر در سطح  
دانشگاهها حضور دارند که یکی هواداران حزب بوده و دیگر نیروهای وابسته  
کفراس وحدت است .  
حزب بوده که تا سال ۵۵ تقریبا مرده بود از آن زمان به بعد (بعد از جد ا  
بدن گروه مستقیم از سازمان) حرکت محسوس را در سطح دانشگاهها آغاز کرد . اکنون  
"مضای باز سیاسی" مباری از توده های های و افعالار سسه وحی به دسین بوده  
از یوگرت هم آورده است . مضای سیاسی موجود وسی دسانه روانه حزب بوده و  
ساحت آن برای کس حق حیات قانونی ارولات فقیه ، موجب شده است که  
حزب توده بتواند جمع دوستداران فعالیت عسلی و قانونی را گرد خود آورد . حزب  
بوده سیاست پذیرش بی محدود و شرط هری آست الله حششی و تا شد کامل را پیش  
گرفته است و می خواهد به هرفیت از این جمهوری اسلامی تانوتی هم به اوسرد .  
بفیه در صفحه ۲

## تظاهرات وسیع خلق کُرد علیه ارتش و نیروهای ارتجاعی

● هر کجا پاسداران وارد می شوند مردم ارتجاعی می کنند .  
● عدم ای پاسداران پس از اطلاع از ماهیت جنگ با عذر خواهی  
از مردم کرده شهرهای خود بازگشتند .  
● ارتش تعدادی از پاسداران را به جای خلق کرد گلوله باران کرد  
● ۱۱ نفر از آنان را کشت .  
● عامل اصلی این جناس به دو سال زندان  
محکوم کرد .  
● وخالاسر عادی خلخالی ، جلال  
ارتجاعی که به عنوان حاکم سرع حسانا -  
بی شکاری در کردستان دست می رسد  
سواسته است بر دسار نیروهای مبارز  
در مورد جامعه "قاربا" سکوت کشیده و  
برای فریب توده هازد رجائی که اسک  
سماح می برد بملگرانی برای آست الله  
حششی ارسال دانسته و صن آن حشش هزار  
مرحمتس سطعه را که در ارسا سهاط حششی  
حسانکار از همه ای فرا دارند . به سوان  
بفیه در صفحه ۲

## شاه دیگری رفت اما این بار نیز...

همه کدسه در حالی که سواکسا  
امراطور امرعای مرکزی به سفر حوس ار  
لسی سان می داد توسط یکی از همکاران  
ساعتس به نام "دوید داکو" تا سسک  
نودساز آرام سواکس است . کودا حشش ار  
همان اولس ساسهائی که در اید کرد سسند  
صراحتا به وجود همکا . بوه همکری سان  
خود و ارسال سره فراسه در شرح برنامه  
بفیه در صفحه ۳

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### بازگشایی دانشگاهها و مدارس و صف بندی

غافل از اینکه تنگ نظری ولایت فقیه برای جاکردن حزب توده سرودست آنرا هم (خواهد کرد). بیانیتهای اخیر حزب توده درباره اوضاع کشور، بیانگر سیاست و سرخوردگی و زبونی کره و چندش آورگی است که تمام تلاشیهایش برای جلب عطوفت حضرات ناگام مانده و با این همه باز هم در برابر این فجایح سکوت را توصیه می کند.

شک نیست که حزب توده با این سیاستی که در پیش دارد در سال جاری نسبت به سال گذشته و بخصوص (سالهای قبل) رشد کرده و اکثر مارکسیست های قانونی طرفدارش روزی را در خود جای خواهد داد.

اساس حرکت حزب توده بر فعالیت علنی نبوده شده است و در این راه حاضر است به هرکاری تن در دهد، که البته با توجه به پشتوانه قدرت نیروهای دموکرات و مترقی (که در دانشگاهها و محافل قابل ملاحظه است) و تضادهای درون رژیم و آشفتگی های ناشی از آن که امکان فعالیت علنی برای همه نیروها تا حد محدودی می تواند وجود داشته باشد، توده ای ها هم طبیعتاً از آن منتفع خواهند شد و به حیات خود همچنان ادامه خواهند داد. سیاست آنان از قیام تاکنون عمدتاً در گردن مبارزه علیه لیبرال ها و کوشش در جلب عطوفت و سازش با طرفداران ولایت فقیه بوده است و از آنجا که نیروی عمده سرکوب چه در شرایط فعلی نه لیبرالها بلکه همین جناح قشری افراطی بوده است لذا توده ای ها عموماً بر پایه کوشیده اند اعمال ضد مردمی و مرتجعین قشری حاکم را در سرکوب آزادی ها، کشتار و غلبه و غیره از چشم مردم بیرون بکشند و راکار صهیونیست ها و امثال مزدور امریکا معرفی کنند و این آشکارترین نوع هواپرسی است. بگذریم. از این نظر رشد تضادهای درونی حزب توده بر سر سیاست وی در برخورد با حاکمیت محتمل ترین آینده ای است که در انتظار آنهاست.

ماهواره موظف موضع توده ای ها در دانشگاه و مواضع سیاست آنان با تصور روشنفکرانه و دقیق برای نیروها تشریح کنیم. سیاستی که سمت اصلی آن تحمیل توده ها، پنهان کردن مرز بندی طبقات و عوامل اصلی به شکست کشاندن انقلاب، نیروی عمده سرکوب خلق در شرایط فعلی و کوشش بی دریغ برای تقویت جنبه ارتجاع است. حزب توده نظر به موضعی که در برابر حاکمیت ارتجاعی کنونی دارد عملاً در جنبش دموکراتیک خلق جای ندارد. تجربه گذشته و پیش بینی آینده حاکی از آن است که انزوی حزب توده همچنان ادامه خواهد یافت. بگونه ای که این حزب قطعا موفق نخواهد شد با سایر نیروهای سیاسی اپوزیسیون از هر قبیل که باشد اتحاد نیوکند.

تحلیل از سایر نیروها در شماره آینده تمام خواهد شد.

### بازگرفتن جبران در راس نیروهای مسلح

۲- بحران فزاینده و لاعلاجی که اقتصاد سرمایه داری وابسته ایران را در خود فرو برده که وجه بارز آن تورم و بیگاری است.

۳- سیر رشد یافته اعتراض توده زحمتکشان و به ویژه کارگران به گرانسی، اخراج و بیگاری.

۴- بحران ناشی از آزادی نهیست طاقت در گردن نهادن و اعمال قهر در دوران فلق کرد در برابر این فجایع.

اینها مجموعه موافقی هستند که اساس ترمیم کابینه را توضیح می دهند. جناحهایی از دولت همانند نرینه و همین فر و بازگان که برای تقویت نظام سرمایه داری و بسط و خیره تر هستند هستند سیاستهایی که روحانیت در پیش گرفته است (مثل اقتصاد حاکم که غلبه خالصی در گردن نهادن به راه انداختن و تنفرو از جناح همگان را برانگیخت با اقدامات "ناشنانه" اثراتی در شرکت نفت) فقط به سود دشمنان حکومت تمام می شود. آنها می گویند:

"خوندگرمی می تواند مملکت را آداوه کند" و روحانیت در جواب می گوید: "اینها نمی گذارند اسلام تحقق پیدا کند." "و در این میان جالب است هر یک دیگری را متهم می کند که سیاست تو به سود کمونیستها تمام می شود. آنها می گویند که خود به روشنی هر چه تا متضرر مایهت ضد کارگری کل حکومت را به اثبات می رساند. در اینجاست موازین بر سر این است که سرمایه داری وابسته با سیاست "آپرومندان" ترمیم خود با ایران ۱۴۰۰ سال به عقب برگردد و ولایت فقیه که به جامعه تا تکامل فئودالی تعلق دارد تحقق یابد؟ حکومتی که همان آرمان و ایده آل دیرینه دستگاه روحانیت حاکم و بهترین تاهین کننده منافع آن است.

بارفتن نرینه و آمدن همین فرهیچ تعادلی در این زمینه برهم نخورده و هیچ چیز عوض نشده است. این کشمکش تنها یک بار دیگر واقفیت تضادهای درون سیستم حاکم را برملا ساخت.

### جرمان دست پیروده

امپریالیستهای امریکایی و یکی از عوامل کشتار خلق کرد

در میان تغییراتی که در بخشهای از کابینه دولت موقت انجام شد، قرار گرفتن جرمان در راس وزارت دفاع از همه بیشتر خشم توده های آگاه را برانگیخت. این انتخاب نشان می دهد که مرتجعترین جناح حیات حاکم، جناحی که کشتار خلق کرد را وسیله تحکیم موقفیت خود ساخته بود، حساسترین رکن قدرت سیاسی یعنی فرماندهی نیروهای مسلح اقبیه کرده است. جرمان با شخصه مطروح نیست. روی کار آمدن او چهره واقعی حکومت و سمت گیری آینده آن را نشان می دهد. تضاد نیست که جرمان این تربیت شده دست امپریالیستهای امریکایی و زمینه ساز کشتار تل زمتسر و

### از نظر اسلام جامعه بی طبقه ...

بقیه از صفحه ۱

کار به خودش برسد و به تمسیر حقوقی مالک آن شود. . . و خود وی هم برای آن معین نگردد است که البته بعضی ها برای مالکیت حدودی مشخص کرده اند که این اصل درست نیست (روزنامه کیهان ۲۵ شهریور)

وساده ترین و کوشیده از نظر ایشان (یعنی از نظر اسلام به روایت ایشان) برای مالکیت خصوصی هیچگونه حد و مرزی وجود ندارد و وجود طبقات استوار شونده و استعمار کننده کاملاً طبیعی و ضروری و "الاسمی" است و استعمار زحمتکشان هم در جامعه مورد قبول ایشان کاملاً آزاد است.

از سوی دیگر آقای بنی صدر ادعا کرده است که این آقایان یعنی امثال آقای آذری قمی "لای کتاب اقتصاد توحیدی را نگشودند و یک کلمه از آن بی طبقه توحیدی چه صیغه ای است ... پس از نظر ایشان اقتصاد توحیدی صرف مفت است."

(روزنامه انقلاب اسلامی - سه شنبه ۲۷ شهریور)

در این زمینه آیت الله طالقانی (پدری مثل آقای بنی صدر) آقای سید احمد خمینی و همچنین از همه حدی تسر سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانهای مؤلف آن معتقدند که اسلام خواهان از بین رفتن طبقات و برقراری جامعه بدون طبقه توحیدی است. این نیروها که شردیم بر خلاف آقای قمی معتقدند که اسلام برای مالکیت محدود قائل است و به کمک همین حدود و با اتخاذ سیاستهایی که هر کدام پیشنهاد می کنند می توان اختلاف طبقات را کاهش داده و آنرا به تدریج از بین برد.

اظهارات آقای قمی به بهترین نحوی از ماهیت فوق ارتجاعی ایشان برده برداشت و نشان داده و واقفیت این عنصر مرتجعی در حاس ترین شرایط در راس دادگاههای انقلاب اسلامی قرار گرفته بود.

بدین ترتیب اظهارات ایشان قبل از اینکه روشن - آرد بالاخره "اسلام" طرفدار جامعه سرمایه داری است با جامعه

### تظاهرات وسیع خلق کرد

عامل اصلی معرفی می کند بقیه از صفحه ۱

من تلگراف خلخالی چنین است.

بسمه تعالی  
دفتر محترم امام خمینی دامت برکاته  
جریانات جانسوز "قاره دل هر انسانی را می سوزاند. ملاحظه نمودم ستور زاده که با قافران به پیشوازمردم فرقه عمال مبعودی و سرگرد نجفی و عزیز قسادی و ملاحسنی آنها را کشته اند و شصت و پنج نفر به طرز فجیع - اگر آمان به این امر جانسوز رسیدگی نفرمائید پس کدام مقام رسیدگی کند.

با احترام - صادق خلخالی  
۵۸/۶/۲۰

بطوری که در خبرنامه گردستان آمده است جناب روستای "قارنا" در شرایطی صورت گرفته که

روحانی تسنن روستا با قرآن پیش آنها رفته و خواسته بود که به حمله نکنند، ولی مهاجمان با سرنیزه قرآن را پاره کرده و روحانی ده راهم تاجد مرگ تشنگ زده و سپس به قتل رسانیده اند. چند تن از باقیماندهگان جنایت هولناک "قارنا" از اینجانب ۲۲ شهریور در فرمانداری مهاباد متحصن شده و خواهان دستگیری و مجازات عاملین این جنایت شده اند.

هم موق گذاشت و تحت فشار مملوینها کارکو و تحت تاثیر تضادهای سیستم جناحهای حاکم داریوش فروهر وزیر کار برکنار شد. البته نباید تصور کرد که داریوش فروهر به منظور تاهین کردن منافع کارگران، روی افزایش حداقل دستمزد با فشاری نشان می داد، بلکه ایمن دقیقاً از ماهیت لیبرالیستی اش ناشی می شده که تصور می کرد با این وسیله می تواند از امتلازه و گسترش مبارزات سیاسی کارگران بکاهد و توجه کردن - ظاهری به خواستهای صنفی کارگران ببالا - بردن مبلغ ناچیزی به درمندان آنها را از مبارزات بی امان علیه سرمایه داری بازدارد. اما حاکمیت موجود به گونه ای دیگری عمل می کند. او کودکان تسر و ارتجاعی می ترسان است که بتواند به بندبازی های بورژوازی اعتماد کند و ساده ترین مانورهای رفیمیستی او را تحمل نماید. این است که می خواهد با جایگزین کردن قشری تربیت - عناصر ارتجاعی ترین نیروها به جای عناصر

بدون طبقه و سرانجام به این دموای بوج که بین جناح های مختلف جریانیهای مذهبی دیگر است پایان دهد. دستکم نشان داده که دادستان انقلاب اسلامی ایران مدافع سرسخت نظام سرمایه داری حتی مرحله انحصاری آن و دشمنهای زحمتکشان است. او آنقدر مرتجع و کند ذهن است که حتی حاضر نیست همچون آقای بنی صدر سرمایه داری را لای زور و بیچدو جای سوسالیمم واقعی به مردم قالب کند.

اما درست این است که این دموای بوج را به دقت تعقیب کنیم - نه از این نظر که بالاخره در پیام اسلام مدافع مالکیت محدود و مشروع است یا مالکیت در اسلام حدود ندارد. بلکه از این نظر که این بحث خود ملاک موثری در تشخیص موضعگیری هر یک از نیروهای مذهبی در نازمه طبقات است. پاسخ هر یک از جریانیهای مذهبی به این سؤال به نحو شایان توجهی آن پوست مذهبی را که حول مواضع و مشروع است یا مالکیت هر یک از نیروها کشیده شده و از کل آنها چیزی به نام "نهیست اسلامی" ساخته است کنار می زند و ماهیت طبقاتی هر یک را برملا می کند.

پیکری در این مسئله در نهایت نشان خواهد داد چه کسانی تحت پوشش اسلام کمره خدمت سرمایه داری انحصارگر هستند و کدام نیروها باز هم تحت پوشش اسلام از سرمایه های کوچک و اقلتر متوسط که سرمایه محدودی دارند دفاع می کنند. اگرچه امروز بین قشریسیون مذهبی و سرمایه داران انحصارگر چه از نظر نشاء طبقاتی وجه از نظر اصول عقیدتی مورد قبول به نحو بارزی تضاد وجود دارد. اما باز هم به نحو بارزی در عمل می توان مشاهده کرد که قشریسیون مذهبی از قبیل حضرات آذری قمی ها و امثالهم چگونه واقفایانها همان سیاست و همان اقتصاد را می پذیرند که سرمایه داری انحصاری وابسته و امپریالیزم پذیرفته است. هر چند که تا مدتی ظهور ماهیت مشترک این دو به طول انجامد. اضافه کنیم که تضاد نیست که آقای آذری قمی هم در سیاست به طرز وقیحی از سرکوب نیروهای انقلابی و تحکیم مجدد

دیکتاتوری دفاع می کند و هم در اقتصاد از مالکیت نامحدود با بهنر گفته شود از تقویض حق غارت نامحدود - سرمایه داران پشتیبانی می کند و باز هم تضاد نیست که جناح دیگر هم در سیاست از حق آزادی بیان و عقیده و حق شرکت مردم در تعیین سرنوش خویش دفاع می کند و هم در اقتصاد مدافع محدودیت در مالکیت است.

"اشکال مختلف مالکیت و شرایط هستی اجتماعی با روینای جامعه ای از احساس ها و پندارها و شیوه های ویژه تفکر پوشیده شده است. مجموع طبقه بر پایه شرایط مادی خود و مناسبات اجتماعی وابسته به آن، تمام این روینا را بوجود می آورد و به آن شکل می دهد."

کارل مارکس - هیچدم هم بر مور ۱۸۵۲ بطور کلی باید گفت، همانطوریکه دادستان انقلاب اسلامی از دیدگاه مرتجعترین اقلات مذهبی می گویند و همانگونه که در سمنار بررسی وضعیت اقتصادی ایران به آن اشاره شده است واقفان "نظام توحیدی" صرف مفت است و تنها در نظام واقعی پیدای می کند.

بنابراین آن دسته از نیروهای هم که از روی حسن نیت و به عنوان حمایت از توده های زحمتکشی و رسیدن به یک "جامه بی طبقه" می خواهند اقتصاد اسلامی را بنا بر اساس دهنده درگ نمی کنند که این دلسوزی برای مردم زحمتکش که به رحمانه مورد فارت و استعمار طبقات حاکم قرار گرفته اند هرگز برهائی آنان از جنگ نظام طبقاتی منجر نخواهد شد. او هم تخلیه که آنان برای تعدیل ثروت و از بین بردن طبقات و برقراری جامعه "توحیدی" اندیشیده اند تنها با این درمی خورد که خونهای بی دریغی را که خلق زحمتکش در راهی خود از بند ستم امپریالیزم و سرمایه داری بر زمین می ریزد، بر باد دهند و مانع از میان برداشتن طبقه دست یافتن به عالیترین مرحله تکامل اجتماعی یعنی جامعه بدون طبقه، بدون ستم طبقاتی، بدون زور و ظلم و اجبار خونند

مهاجران مردم مهاباد با سازمان نفوس ت دارند و هر جا که پاسداران قدم می گذارند مردم از آنجا دور می شوند. مثلاً هنگامیکه پاسداران به مهاباد فرستی ها و قوه ها می وارد می شوند مردم آنجا ترک می گویند. در اغلب شهرهای گردستان فروختن جنس و حرف زدن با پاسداران تحریم شده است این مسئله موجب بروز نا رضایتی شدید در میان پاسداران شده است.

سردشت - تعدادی از پاسداران مستقر در سردشت که وجدانشان بیدار شده و انگیزه اصلی این جنگ را دریافتند به شهرهای خود بازگشتند. آنها هنگام خروج از شهر از مردم عذر خواهی و طلب مغفرت کرده و می گفتند ما از چگونگی این جنگ آگاه نبودیم و حال که همه چیز بر ما روشن شده حاضریم برادر رگشی نیستم.

### یک عمل ارتجاعی

مواضع ارتجاع بنای یادبودی را که زحمتکشان سنجید برای قهرمان شهید خلق کرد "کاک اسامیل صریف زاده" ساخته بودند خراب کردند. این بنا بهار گذشته در سالروز شهادت سکس ساخته شده و با پوشش ارتجاع به گردن استان آن را خراب کردند. اگر در دلان و تنگ نظران مرتجع نمی دانند که قهرمانان در دل مردم زنده اند.

برخاسته اند، اکنون با توطئه کشی و ضد کارگری اخراج از کار، روبرو شده اند. این سیاست به دستور دولت بازرگان و پشتیبانی وسیع سرمایه دارانی که منافع خود را در خطر دیده اند اتخاذ شده و با تغییر کابینه احتمالاً از طریق طرحهایی که برای کارگران ناشناخته است همچنان تعقیب خواهد شد. اما دولت از این فافل است که مبارزه کارگری و اتحاد کارگران به چنان سطحی رسیده است که نه تنها با اخراج کارگران، مبارزه آنها تخفیف نخواهد یافت بلکه اعمال این فاضلها در مقابله با مهاباد قبل بر شد با هم بیشتر جنبش کارگری و اعتراضات کارگران در خوزستان، آذربایجان و منطقه تهران، منجر شده است. اگر امروز مردم ایران سرمایه داران، کارگران مبارز را از کار اخراج می کنند، دور سبت روزی که صف متحد کارگران سا آموختن از کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز سایر کارگران آگاه مدبران و سرمایه داران مفت خور و از کارخانه ها اخراج کنند.

بقیه از صفحه ۱

علی محمد عرب

### نماینده کارگران ایران در مجلس خبرگان را ...



نمونه سندی از فعالیت‌های پلیسی  
علی محمد عرب

شورایا باید به دو نکته مهم همواره توجه کامل داشته باشد - بقا - شرکت . رسیدن کارکنان آن به حقوق طبیعی خود که این دو همواره لازم و ملزوم یکدیگر و از هم تفکیک ناپذیرند و باید انقلاب جد است ارشاد کنند و چنانچه متنبه نشوند اعم از کارگر و کارمند خارج کنند و از داخل شدن خبرنگاران و عکاسان که مورد اطمینان نیستند جلوگیری نمایند و از صاحب به افراد مغرض و توطئه گر دستورات مذکور مقدمه ای است برای به حقوق طبیعی خود رسیدن و در تانسی نظم و آرامش در همه جای ملک حکم فرمادند و ثالثا شرکت کردن نمایندگان کشاورز و کارگر در آینده در مجلس شورای ملی و کنفدراسیونهای بین المللی .

روزنامه جمهوری اسلامی  
شبه ۳۱ شهریور

در نتیجه نه تنها آقای بهشتی بلکه خود برادر عرب بهتر از هر کسی دیگری می دانند که مقصود از "اهداف مشروع" و "نظم و امنیت" برای "کلیه موسسات و کارخانجات" چیست و "توجه کامل به بقا" این شرکتها را در شرایط و وضعیت کنونی و با توجه به روابط حاکم مابین کار فرما و کارگران یعنی چه . و احتیاج به توضیح ندارد که در شرایطی که وحشانه ترین اشکال استعمار و شدیدترین فشارهای اقتصادی بردوش کارگران و کشاورزان ماستگیتی می کند این اصول را به عنوان وظایف اساسی کارگران دستورات را وسیله رسیدن به حقوق طبیعی آنها دانستن . همراه با همه فرامیسی که در واقع برای احراق عناصر آگاه از درون کارخانه ها صادر شده است چه حد فرب توده های آگاه اسیر تاکیده به اینکه چگونه با معرکه های جورواجور از فرآن کارگران و کشاورزان راه اطاعت کورکورانه از کار فرماهای خون آشام مجبور سازند .

آن شخص را به شان گفتند به بنسده مراجعه کنید و بنده هم از بیرون سیاسی می کنم برای بسته شدن محل نشر آن کمک کنم . اگر اعضا شورا و نمایندگان را انجام دهید کلمه ... جامه فصل پوشانده ایم . در غیر این صورت همه در نزد خدا مسئولیم .

علی محمد عرب

آقای علی محمد عرب که گویا ظاهرا باید از منافع کارگران در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی "به دفاع برحیض" ، تاکنون نه تنها از جنبه تخصصی و خصوصیت نسبت به طبقه کارگر از خود نشان نداده است بلکه با صراحت و بی شرمی تمام سعی کرده است هر کجا سخنی از کارگر و منافع طبقه کارگر به میان می آید ، به کشف ترین شکل ممکن منافع کارگران را زیر پا بگذارد و سربردگی خود را نسبت به سرمایه داری و بسته ایران به اثبات برساند . حال ببینیم او در مجلس "خبرگان" چگونه با رنجی ترین جناح مجلس به تبتانی پرداخته تا برای ارگانهای صنفی کارگری یعنی سندیکاهای کارگری ، اصول و قانونی دست و پا کند و به این اعمال ضد کارگری در قانون اساسی سدیت بدهد . بطور مثال دکتر بهشتی در یکی از جلسات مجلس خبرگان پیشنهادی می کند که :

"سندیکار را به ترات برداریم ، شاید نظر برادر عرب چنین نیز باشد ."

کمیاب یکشنبه اول مهر آقای بهشتی اگر یک کمی بیشتر تعمق کنند می بینند که به هیچ وجه نباید نگران مسئله سندیکای کارگران باشند . چون برادر عرب به عنوان نماینده "تام الاختیار" و "واقعی" کارگران ایران نه تنها با برداشتن وحدت کلمه سندیکار قانون اساسی کاملا موافق هستند بلکه اصولا برچیدن سندیکاهای کارگری را گامی مثبت در جهت باطل کردن منافع کارگران و خدمت سرمایه داری دانسته از هیچ کوششی برای از بین بردن سندیکاهای شوراهای کارگری مضایقه نخواهند کرد . آقای بهشتی اگر فقط به روزنامه جمهوری اسلامی نگاهی می انداختند و نظر برادر عرب را در رابطه با وظایف شوراهای کارگری مطالعه می کردند ، می دیدند که به هیچ وجه جای نگرانی نیست .

برادر عرب در مورد وظایف شوراهای کارگری می گوید :

... طبق این آیه شریفه کلیه موسسات و کارخانجات و دهات سراسر مملکت تراهی نبل به اهداف مشروع و خداگونه تان نظم و امنیت و آرامش فریب قشر کارگر و کشاورز باید هر یک در محیط کارشان شورائی متشکل از افراد تکامل یافته و با افراد صالح و وارده به مسائل سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و آشنایه قوانین اسلام تشکیل دهند ... اعضا

مبارها تضییع کرد و مردم زحمتکش ما به تصور اینکه پس از تحمل سالها فشار و زور دیکتاتوری این بار می توانند با خیال آسوده نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند به پای صندوقها رفتند ولی به استثناء چند نفر که واقعا مورد تأیید مردم بودند بازم وکلای "فرمایشی" از صندوقها بیرون آمدند و شواهد نشان می دهد که در این "فرمایشی ها" هستند افرادی که گویا دارند نقش همان ساواکی های قبلی را بازی می کنند و بخصوص آنها که با طبقه کارگر سروکار دارند خیلی آشکارتر و با وضاحت نام خود نقش پلیس سیاسی را بر عهده گرفته اند و دیگران را علنا با برحاسوسی و تفتیش عقاید و کشف صیغ نشریات مترقی ترمیم و ترمیمی می کنند .

نمونه سندی را می آوریم که حاکی از فعالیت های پلیسی علی محمد عرب نماینده قلابی کارگران در مجلس خبرگان است .

در این سند علی محمد عرب وقیحانه از کارگران می خواهد حرفه او را انتخاب کنند و علیه یکدیگر سرچینی و جاسوسی کنند . این سند نشان می دهد که این آقای سانس . چاشمه پدست یکی از خبرگان سر به جاسوسی پلیسی بوده وزیر پیش اسلام سر به خدمت سرمایه داری و جاسوسی با جنبش کارگری ایران .

... در روزی با یار عنا و انبیا به به چهره های پروان و ایلان فریبسن کلیه کارکنان شرکت با افکار اعمام از خواهران و برادران عزیز بنابه آیه شریفه فوق الذکر برای تسریع کارهای اجتماعی خصوصا که در جهت احقاق حقوق خداگونه باشد هر یک از جامعه و نمایندگان آن وظایف خاصی در مقابل یکدیگر عهده دار می باشد که کلیه آن وظایف در دو مطلب خلاصمی شود . اول هشدارهای حساب شده و صحیح درباره کلیه امور اعمام از اقتصادی ، معنوی ، فرهنگی ، سیاسی و سرکوبی دشمن به وسیله اعضا شورای نمایندگان . دوم توجه افراد آن جامعه به تعیین خط مشی ها و فرامین نمایندگان با اعضا شورا .

این جانب علی محمد عرب که یکی از اعضا شورای شامی باشد به فرد شما هشدار می دهم که چپ نمایان زمانی که بنده در آن شرکت بودم نشریه ای به نام "سناج مبارز" در آنجا پخش می کردند که عامل اصلی آن معلوم نبود . والان آن نشریه را توسعه داد ما تبدیل به مجله نموده با مارک پیسی ها که به حدالک حامل و عامل اصلی آن هم برای اعضا محترم شورا وهم برای بنسده شناسائی شده است . لذا تقاضای بنده از فرد فرد کارگران مجاهد این است که از مدیریت و اعضا شورا بخواهید تا آنکه حامل اصلی این نشریه باطل شود و غیره در آن شرکت بیرون کنند و چنانچه نام

## جرا دستگاههای تبلیغاتی دولت اینهمه برای شوراها ...

اینهاست (جا بپندارند ... صحبت کردن از شوراموضوع تازه ای نیست . ما از مدتی قبل از قیام این شمارا مطرح کردیم و همسپس نیز بدفیات بر آن تاکید کردیم و بعد ما هم گفتیم که شوراها در جریان قیام بهمن ماه موجود آمدند و در اثر خواست توده مردم برای اعمال قدرت خودشان ، یعنی تصمیم گیری و اجرای آن تصمیمات توسط نمایندگان منتخب خودشان شکل گرفتند . شوراها از طرف مردم (کارگران ، دهقانان ، پرستار انقلابی ، کارمندان و غیره) بوجود آمدند تا جاسای حالی قدرت از هم پاشیده رژیم شاه را پس کنند و خواستهای صنفی و سیاسی آنها را به اجرا در آورند .

اما اینکه مجلس خبرگان و شوروی انقلاب که خواستهای تالیات و نظریات روحانیت را بهمان می کنند ، شوراها پذیرفتند دولت را و اداره به قبول آن کردند ، مسئله دیگری است که جا دارد به علل آن بپردازیم .

به نظر ما مهمترین علت پذیرش شورا از طرف حاکمیت سیاسی فاشیست توده مردم بود که به "فشار از پایین" معروف است دولت و شورای انقلاب مدتهای زیادی می کردند قهقهه را بر سر لبی در گفتند و با فریادهای توده مردم توجهی نداشتند و محدودی هم موفق شده بودند به مسترد بهمانند که گوششان این حرفها را نمی شنود اما مردم که مدتها مبارزه کرده بودند و حدی آگاه شده بودند می خواستند در تصمیم گیری و اجرای انقلابی آن سهم باشند ، نیز حاضر به کوتاهی دادن نبودند . آنها هم نسبتا اینجا و آنجا فریاد خود را بلند کردند .

از طرف دیگر کارگران مجاهدین خلق ایران و سازمانهای مختلف آن هم که خواست های دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم را بیان می کنند ، به تبلیغ این شعار توجه داشتند و اینجا و آنجا در هر فرصتی که پیش می آمد ، آنرا توضیح میدادند . آیت الله طالقانی هم هر مورد پذیرش این سازمانها هم تا آخرین روزهای حیات سراپا مبارزانش مبلغ و مدافع این خواست توده مردم بود . همین امر باعث شد که خرس نطق قوی عدید دولت را مقید کرد که گوش را به روی این خواست مردم باز کند و "تبلیغات" و همش را آغاز کند .

علت دیگری که باعث شد دولت با این شعار تن به هدو و جود آنرا بخصم شود کارخانجات به پذیردن آن بود که شوراها تمام افراد شاغل در یک واحد تولیدی را در بر

## شاه دیگری رخت اما ...

کودتا استراف نمودند و با بی شرمی ماهیت امپریالیستی کودتا را فاش ساختند . بوکاسا در سال ۱۹۶۵ با دانستن تابعیت فرانسوی به ریاست جمهوری افریقه ای مرکزی برگزیده شد در سال ۱۹۶۶ خود را به مقام امپراتوری ارتقا داد . وی در راه تمام مصالح آری با بان جهان نوازی همچون سایر مزدوران از هیچ جنایتی فروگذار نکرد . او با وضع قوانین قسرون وسطائی ، فرور بردگی را بر اکثریت مردم کشوری که از بزرگترین تولیدکنندگان المان و طلا ی افریقه ای باشند ، تحمیل کرد . مبارزات ضد استعماری و آزادی بخش مردم افریقه ای مرکزی که به ویژه در ارتباط با جنبش های خلقهای چاد - سودان - کنگو برار اوایل از زمینه رشد مساعد برخوردار بود به وحشیانه ترین شکلی سرکوب می شد و شدت از ایجاد هرگونه تشکیلی جلوگیری می شد . کشتارهای دسته جمعی از مردم متعرض و به جان آمده در این کشور از جمله کشتار دانش آموزان یک دبیرستان در "بانگی" یکی از افتخارات بزرگ این امپراطور به شمار می رفت . محرابان قوانین امپراطوری که خود جافظا استبدادت جهانی و غارت ثروت های بی کران خلق بودند افرادی را که از فرط گرسنگی و فقر برای لقمه نانی دست به سرقت می زدند - رولا - هام تاز با نمونیا کردند می زدند . جنایات این مزدور آنجنان کینه خلق را برانگیخت که دیگر برای امپریالیسم فرانسه حمایت آشکار از این امپراطور به صرف نبود و همین دلیل از ترس و اجسکی مبارزات مردم که بی شک سلطان

استعمارگرانه اش را به ناپودی تهدید می کرد دست به کار تهیه زمینه کودتای اخیر شد . آری دیگر دوران تکیه امپریالیسم بر دیکتاتورها بی برده و سرکوبگر و مزدوران شناخته شده اش به سر آمده است آخرین امید غارتگران برای حفظ سلطه استعمارشان روی کسار آوردن مهرهای ناشناخته ای است که کمتر مورد نظر ملتها باشند و این همان سیاست مرورانه ای است که جهت منصرف ساختن مبارزات توده ها و فریب آنها به کار گرفته می شود . سیاسی که باید آن را حاصل تجربه امپریالیستها در مقابل سوا جنبشهای انقلابی در سراسر جهان دانست . امپریالیستهای خواهند نسا جانی که ممکن است از تکرار در سرها بی که با پشتیبانی از رژیمهایی چون سوول شاه - سومر او دیگران دانش گیرشان شده است جلوگیری کنند .

رفتن بان اسویت و آوردن حضرت اسقف موزوروا هم صرف نظر از ویژگی هائی که دارند نمونه ای از همین سیاست است اما سر و سر تمام آبریزم ها و تصمیم حیلگری ها و توطئه های امپریالیسم به شهادت تاریخ مرگ و نابودی است . پیروزی از آن خلقهاست . هر چند امپریالیستها و نوکرانشان هرگز به سادگی تسلیم نخواهند شد . از این روی رژیم جدید افریقه ای مرکزی نیز آماج مبارزات بی امان خلق خواهند بود و تصمیم بر بوکاسا ناشکلی که صورت پذیرفت قادر به فرونشاندن آن مبارزات نخواهد بود .

## حق تعیین سر نوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است



## علت انقلاب چه بود؟

گزارش یکی از جلسات شورای کارخانه درمن دیزل تبریز

توسط یکی از کارگران

روز چهارشنبه ۲۱ شهریور کارگران برای انتخاب اعضای جدید شورای تصمیم گیری در مورد دستورالعمل سرمایه داران جلسه ای تشکیل دادند.

ابتدایاً یکی از روحانیون تبریز به نام بنای که برای باز دید به کارخانه آمده بود پشت تریبون فرار گرفت و گفت: "انقلاب ایران یک انقلاب سیاسی نبود. زیرا اکثر مردم ماناگاه بودند و هیچکس انتظار نداشت یک مرتبه همه خیابان ها ریخته علیه دستگاه حاکمه شعار بدهند. حال بنیمن علت انقلاب چه بوده است؟"

طبق اظهارات آقای بنای علت انقلاب ایران هنوز برجامه شناسان دنیا نیزروشن نیست چون ۵۰ سال غفغان در کشور مانع از رشد آگاهی سیاسی ملت ایران شده بود و ملت نمی توانست از وضع مملکت باخبر باشد. ایشان باالیهن مقدمه چنین علل انقلاب ایران را طبق نظرات خود اینطور توضیح دادند.

"ملت ایران ناآگاه بود و مسأله ننی دانیم چطور شد یک مرتبه همه مردم به خیابانها ریختند و ملی مردم به دین خود متعصب و معتقد مراجع دینی می باشند و وقتی ما از مردم می پرسیم چرا انقلاب کردند؟ می گویند رهبر ما اینطور خواست ما نیز اینکار کردیم. وی اضافه کرد: "بله ما برای دین انقلاب کردیم. نه برای پائین آوردن قیمت خواروبسار هندوانه و خرزهره. مادران مومنان کارخانه ها را تعطیل کردند و مادران پانکهارا به آتش کشیدیم زیرا اینها مال خانبود ولی الان همه چیز به ما تعلق دارد. الان انقلاب خانه یافته دوره سازندگی است و کم کاری خیانت است. ما نباید به مسائل جزئی اهمیت بدیم. اگر حقوق ما ۵ یا ۱۰ تومان کم و زیاد باشد اهمیت ندارد. سپس مسئله هنوز پیش کشیده شد. یکی از کارگران گفت: "این آقای هنرور موقع آمدن به کارخانه هیچی نداشت ما نمی دانیم چطور شده الان وی نیز صد هزار تومان دارد ما همجی نداریم؟"

آقای بنای برای طفره رفتن از پاسخ باجمله گفت: "من نمی دانم. اصولاً این حرفها به ما مربوط نیست. من اورانی شناسم. شما برونده این شخص را به دادگاه انقلاب اسلامی بدهید دادگاه درباره اوصاف و

خواهد کرد. " یک کارگر در جواب گفت: "آقای بنای. حالا شما در جمع ۴۵۰ نفری هستید می بینید همه با اعراج وی موافق هستند. مگر نظر ۴۵۰ نفری که این فرد را می شناسند. کافی نیست؟ وانگیزی. ما یک ماه است برونده را به کمیته فرستاده ایم ولی تاکنون رسیدگی نشده است."

در اینجا آقای بنای که به نظر می رسید شدیداً عصبانی است با لحن مسخره آمیزی گفت: "شما با خواب بودید یا به حرف من گوش نکردید. من گفتم برونده را بحضور اعضای شورای به دادگاه انقلاب بفرستید نه کمیته. چون کمیته مرجع نیست. در این موقع بین کارگران همه در گرفت. یکی از آنها گفت: "آقای بنای، شما می گوئید به کارهای جزئی نپردازیم پس چرا به مسئله این هنرور که در حدود یک ماه است وقت کارگران را گرفته و تا به حال چندین جلسه در این مورد تشکیل شده سیدگی نمی شود؟ بنای: "بله منم همین را می گویم" یک کارگر: "آقا. چند بار به مراجع گفته ایم ولی رسیدگی نمی شود. در این موقع یکی از کارمندان که خشمگین شده بود گفت: "آقایان! آخر چه مرجع؟ اصلاً مرجع چه کاره است؟ تا به حال چهار مرتبه مراجع به کارخانه آورده ایم. نتیجه ای حاصل نشده. این دفعه استناد دار را به اورم بنیمن اوچمی گوئید؟ در اینجا بنای بسیار برافروخته شده گفت: "جناب اجل اشرف. بنده به دعوت کارگران اینجا آمده ام و از آن گذشته این ما هستیم که به خود استناد هم کم کم می کنیم و هر جا می رفتیم تاوانستیم ما موثرتر از آقای استناد باشیم. یکی دیگر از کارگران گفت: "همه می دانید که از زبان رژیم تاکنون علیه دزدی ها و غارتگری های هنرور سارزه کرده ایم ولی هنوز نتوانسته ایم اورا به سزای اعمالش برسانیم. دیروز هم به کمیته ترسیبی رفتیم. اگر می کشند می گوئیم همه بداندیکه خرابی های طرفدار هنرور است و من بددم مرتب از او طرفداری می کرد. یکی از اعضای شورا هم این موضوع را تأیید کرد."

یکی از کارگران گفت: "همه می دانید که از زبان رژیم تاکنون علیه دزدی ها و غارتگری های هنرور سارزه کرده ایم ولی هنوز نتوانسته ایم اورا به سزای اعمالش برسانیم. دیروز هم به کمیته ترسیبی رفتیم. اگر می کشند می گوئیم همه بداندیکه خرابی های طرفدار هنرور است و من بددم مرتب از او طرفداری می کرد. یکی از اعضای شورا هم این موضوع را تأیید کرد."

یکی از کارگران گفت: "همه می دانید که از زبان رژیم تاکنون علیه دزدی ها و غارتگری های هنرور سارزه کرده ایم ولی هنوز نتوانسته ایم اورا به سزای اعمالش برسانیم. دیروز هم به کمیته ترسیبی رفتیم. اگر می کشند می گوئیم همه بداندیکه خرابی های طرفدار هنرور است و من بددم مرتب از او طرفداری می کرد. یکی از اعضای شورا هم این موضوع را تأیید کرد."

## آیا ایران به اسرائیل ...

تحویلی به کشتی بریتیش ترینت که در تاریخ ۱۲/۶/۵۸ از اسکله شماره ۵ خارک بارگیری نموده و به مقصد عین الفخفا حمل گردیده است برای چه کشوری است؟ تحقیقاتی که به عمل آمده است مقصد فوق یعنی عین الفخفا در کانال سوئز می باشد. و جزو بندر کشور مصر می باشد. از طرفی دولت ایران با مصر روابطی ندارد و این یک علت مشکوک می باشد که با از این طریق اسرائیل نندبه نمی گردد؟ چه چیزی تضمین کننده این موضوع است که از طرفی اسرائیل بطور غیر مستقیم نفت داده نمی شود. با توجه به اینکه بعد از انقلاب تاکنون کشتیهای مختلفی برای این مقصد بارگیری نموده است. همچنین کشتی اجدبها در تاریخ ۱۱/۶/۵۸ از اسکله ۱۱۲ خارک نفت برای مقصد نامعلومی می برد. بعد از چند روز مقصد آن از تهران به خارک گفته می شود و روسای غریب و این هم خود یک کلمه مشکوک می باشد چون قبل از انقلاب فقط کشتیهای اسرائیل بدون مقصد بودند که بعد از عدن به آنها گفته می شد.

خواهندست است این موضوع را روشن نموده تا حالت مشکوک بودن برای عدمای از کارکنان که در امر صادرات نفت نقش مهمی دارند، از بین برود. با تشکر اداره نظارت بر صادرات مواد نفتی ناحیه خارک

## پاسخ يك كارگر به وزير شهرسازی در مورد دستور تخلیه خانه های مصادره شده

فرزادیه که به خاطر موافقت ناشی از انقلاب که همه آنها توجه طبقه محروم گردینده که می بایست با رستگین چنین عوامل سرسپرده سرمایه داران را به دوش بکشند و در کمیته هابه عنوان صد انقلاب تعقیب و محاکمه شود.

آقایان! خیال خام در سردارید. اگر ما زیر بار حرف زور می رفتیم در خیابان رژیم گذشته پایه فرار نمی گذاشتند. ما که چیزی نداریم در مقابل نبرد از دست بدهیم. برای ما مردن بهتر است از سترو گرسنگی و تهدید و آزار و اذیت و آبرو و کرامت و سرمایه داری کثیف عوامل رژیم گذشته. که بود که با سرگردان سینه خود در مقابل رگبار و گلوله هالززه برانداز رژیم میماند؟

باید که با سرگردان سینه خود در مقابل رگبار و گلوله هالززه برانداز رژیم میماند؟ باید که با سرگردان سینه خود در مقابل رگبار و گلوله هالززه برانداز رژیم میماند؟ باید که با سرگردان سینه خود در مقابل رگبار و گلوله هالززه برانداز رژیم میماند؟

## اخبار جهان

**اعتصاب کارگران برای افزایش دستمزد در هلند**  
در حدود ۱۵۰۰ کارگر برانداز در بندر آمستردام و نزدیک ۴۰۰۰ کارگر در کارخانجات کانسرو مواد غذایی هلند برای افزایش دستمزدها دست از کار کشیدند.

**اعتصاب کارگران بارانداز بندر آمستردام**  
اعتصاب کارگران بارانداز بندر آمستردام سرمایه داران برادر روز شهربور جمهوری به بدترین مذاکره با اتحادیه های کارگری برای رسیدگی به خواسته های کارگران کرد.

**اعتصاب ده هزار نفری کارگران نفت در هند**  
بشازده هزار کارگر شرکت نفت هند روز ۲۲ شهریور ۵۸ دست به یک اعتصاب زدند.

در این اعتصاب این کشور با کمبود مواد سوختی روبرو شد و شرکت هواپیمایی هند مجبور شد اکثر پروازهای خود را لغو کند. کارگران شرکت نفت هند که بخشهای بازاریابی، بالابشگاه و خط لوله را دربر می گیرد، خواستار افزایش دستمزد در فاصله بیشتر هستند.

## سلب آزادی مطبوعات زمینه ای برای سرکوب خلاق

مطلب آزادی مطبوعات زمینه ای برای سرکوب خلاق

مطلب آزادی مطبوعات زمینه ای برای سرکوب خلاق



### راهپیمائی دانش آموزان تبریز طلیعه تداوم یبیداری

#### در آستانه سال تحصیلی جدید

راهپیمائی دانش آموزان تبریز برای لغو شهریه و اعلام رسمی آزادی فعالیت های سیاسی، بشارت و سرآغازی دیگر است. انبوهی از دانش آموزان دبیرستان های تبریز در تاریخ ۲۲ شهریور ۵۸ عید از اجتماع در دبیرستان دهقان، به خیابان آمدند، بهم پیوستند و با وجود تهدید و ارباب زر - دبستان دسته دسته خود را به اداره کل آموزش و پرورش رساندند. شعارهای این راهپیمائی که نشانده سیاسی مبارزاتی نیروهای جوان کشور است لغو شهریه بود. آزادی فعالیت های سیاسی بود. تشکیل شوراهای منتخب دانش آموزان بود و نیز تصفیه مدارس از عوامل ساواک و اعلام آسای تصفیه شان. آنها در اعلامیه خود تأکید کرده بودند که وجود شهریه تحکیم مابین جامعه طبقاتی است. مدرک آموزش و پرورش در نتیجه این اعتراضات متزلزل و موثر در تاریخ ۲۴ شهریور ۵۸ تنها به اعلام رسمی لغو شهریه بسنده کرد و در مورد آزادی فعالیت های سیاسی به قول شغالی پناه برد. دانش آموزان فریاد می زدند: "ما از مراجع قانونی قولهای شغالی بیسار شنیده ایم. آنها تا کدی داشتند که باید رسماً فعالیت های سیاسی آزاد اعلام کرد. آنها هم تنها با خضاع آنها خواستار آن بودند که آزادی فعالیت های سیاسی رسماً آزاد بویولتویون نیز اعلام کرد. شعارهای این تظاهرات شامل اینها بود:

شهریه مدارس الفبا یادگردد  
فعالیت سیاسی آزاد یادگردد  
شوراهای منتخب تشکیل یادگردد  
گرفتن شهریه، مستصفا فر  
مصطفی گندی  
القاضی شهریه مورد در خواست  
ماست، آزادی سیاسی ندادی  
قلبی مستصفاست

بعد از قیام چنین پنداشتم می شد که هیئت حاکمه دست کم این توان را دارد که در نهادهای اجتماعی به تصفیه رابطه و رابطه ها برادران دوازدهم رهگذر خود را انقلابی بنمایاند. اما ماهیت ضد دموکراتیک و ضد کارگری هیئت حاکمه برای تحکیم مواضع نظامی اقتصادی امپریالیسم انجمن آموزش به دست آوردهای سیاسی قیام خونین خلق برده که برای همیشه بر این پندارها خط بطلان کشید.

رژیم کنونی که بر شتاب در راه منافع غارتگران جهانی و ارتجاع داخلی گام بر می دارد تا کارگران بران ها را که در پیش دارد، به ویژه بحران های نزدیک سیاسی و فرهنگی غافل مانده است و چنین است که در آستانه احتمالی وقوع هر بحران، به تلاش های مذبحانه برای تحمیل مردم به ویژه نیروهای جوان و مبارز کشور دست می زند.

آموزش و پرورش که به دلیل تجمع و ترکیب نیروهای جوان جامعه با باگهای طبقاتی گوناگون ماهیتاً سیاسی نیست هست. با توجه به رشد سیاسی این نیروها در جریان جنبش خلق و ادامه پرشور این مبارزات از قیام تا امروز با توجه به رشد های دموکراتیک و انقلابی نیروهای پیشگام جامعه، پس از این یکی از گوناگون های پریش مبارزه برای باز ستاندن دستاوردهای، مهارت یافته قیام خواهد بود.

تجدیدی نیست که دانش آموزان کشور با بهای دیگر نیروهای مترقی و مبارز لحظه ای در برابر اجفاف و سانور و خفقان آرام نخواهند نشست و مدارس را به کانون های کوچک آموزش مبارزه بدل خواهند کرد زیرا پس از آن همه تجربه خونین امروز به روشنی پدیداست که پذیرش هرگونه آموزشی جدا از آزادی های سیاسی به مفهوم تن دادن به سرکوب و اختناق و نابودی فرهنگ مبارزه خلق و پیشگامان روشن گشتر خواهد بود. وهم از این روست که طلعه مبارزاتی

### بخشی از پیام دانش آموزان مبارز کرمانشاه به مناسبت اعزام رفیق گرجی بیانی درود بیکران خلق به رفیق شهید

بقیماز صفحه ۸

از دولت بازرگان و مرتجعین و دارودسته شان بیشتر از اینها توقع نداستیم. چون خودشان هم کم بازیا از همان طایفه "بولدراها و گردن کلفت ها" و متغورها هستند. خودشان هم می خواهند به طریق سوار شوند تا اسد سوار باشند. اینها کارگر با کارگرزاده یا دهقان و زحمتکش نبوده اند که از این کارهای کم می کنند آدم جمع است. سلیمانان حوثین و ساده لوح و ماد بدیم چقدر راحت از مزدورانی چون چمران ها و فلاخی ها قهرمان ملی قلابی ساختند. همچنانکه ارتش ملی قلابی ساختند. همچنانکه طب ملی قلابی ساختند. همچنانکه بانک ملی قلابی ساختند. همچنانکه سابع ملی قلابی ساختند. همچنانکه باسدار انقلاب قلابی قلابی ساختند. همچنانکه مجاهدین قلابی ساختند و همچنانکه حیلی چیزهای قلابی دیگری ساختند.

آیا مگر می شود برکوه اشغالی که رویش رامند کوتاهی است برف گرفته خندیده؟ نه. آنها که می خندند حصار آتش مذاب در دل کوه بی خرنند. آری این کوه با این قلب برای آتش ختا روزی - در بارود منفر می شود و توقت برف که سیل است تا نگ و توپ و ز - راهم ذوب می کند و دهان آنکس را که فرمان آتش داد تا سینه برادر بررگان، رفیق با شعور و با شوتمان را سوراخ سوراخ کند، ابتدا از هم می درود آنگاه می سوار شد راستی آرزو دهه از هم باشد و سوخته مردوران آدمکش رژیم پهلوی را بر سر شاخه های درختان کنار جباران بدیدید؟

مرگ بر امپریالیسم امریکا و مرتجعین وابسته به آن

دانش آموزان هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کرمانشاه

که می گفتند "تمام قرارداد های امارتبار نظامی با امریکارالفونک" و آنها بی کسه می گفتند... همه "ضد انقلاب" شدند. همه فاسد شدند. همه پست و زلزل و خاشن به دین و ملت شدند. همه خرابکار شدند همه شان خرمن مردم را آتش می زدند و بعد دیدیم که این دولت و آن شورای انقلابات بتمام روشنفکران مترقی و زحمتکش ما، با تمام فرزندان دلپسرو شفته آزادی و مساوات "انقلابی" عمل کردند. همه را چه حیثیانه به رگبار گلوله بستند. خیلی راحت در عرض چند ساعت همه را مفیدی الارض و محارب با خدائشیم دادند و تیرباران کردند. شهر خاموش شد. سکوت غم انگیزه سنگینی بر شهر حاکم شد. همه شوکه شده بودند. گنج بودند. توی این فکر بودند که چه بر سرشان دارد می آید. ماکرگی را دوست داشتیم و داریم گرجی به مدارس مبارزه آموخت. گرجی حلم ما بود. اولین بار گرجی بود که با افشگری های شجاعانه خود در سر کلاسها چشم مارا باز کرد. وقتی که از اوضاع کلافه می شد دیگر بی محابا همه چیز را می گفت و مفده دلش را خالی می کرد. می گفت: "دلم می خواهم همه شما بروید دانشگاه". می گفت "همه شما از بچه های زحمتکشید، محرومیت دیده اید، دانشگاه بروید، خیلی چیزها دستگیرتان می شود". بچه ها راه فکر کردن و کتاب خواندن تشویق می کرد. برای مثال آخری ها صبحهای زود ساعت شش و نیم تا هشت کلاس کنکور می گذاشت و باجهما به قول خودش تست کاری کرد. وقتی که درس می داد فقط فرمول خشک نبود، بحث می کرد و خیلی هوشیارانه بحث را به مسائل اجتماعی می کشاند. ماکرگی را دوست داشتیم. همه گرجی را دوست داشتند. همه خون پاک و شریف شهید گرجی را با ادامه راه گرجی با پاسداری از آرمانهای گرجی بیسار می دارند.

آنها گرجی را در کرمانشاه، در خانه خود دستگیر کردند و بعد از مدتی خیلی کوتاه بی شرمانه او را به جرم دروغ بستن دخالت در جریانات پاوه به گلوله بستند. همین راستی آنها شرم نمی کنند؟ آن اسلامی که اینتمه از مدل و انصافش دم می زدند این است؟ پاسداران درخسیر شایع کرده اند که یک چمدان اسلحه از خانه گرجی بیانی به دست آمده است. ایسین شایعات فقط برای توجیه جنایاتی است که خیلی وحشیانه ترتیب شده اند.

بمان برنده و کوبنده ما، ذهن کنجگاو و هوشیاری آوازه ر سلاخی برای ارتجاع و دشمنان آگاه کننده تر بود. با تیرباران گرجی انگار از هر خانه او در کرمانشاه جوان بروندی را تیرباران کردند. هر خانه او ای که بچه مدرسه رو داشت گرجی را می شناخت. همه گرجی را می شناختند. تمام مملکت نیز به داشتن همکاری چون گرجی افتخار می کردند و می کنند و به همین وجه ارتکاب شهادت رفیق مبارز شان بی تقصارت نخواهند گذشت.

راستی چه شده است؟ چنانقاسی افتاده است؟ مگر همین نبودند که بسا کینه و نفرت به آدمکشهایی رحمی های شاه خائن امتراضی می کردند. پس چرا حالا خودشان بی خودی جهت آدمهای خدمتگزار و انقلابی راه بریم "ضد انقلاب" و توطئه علیه جمهوری اسلامی تیرباران می کنند. ساواکی ها و ادکتان حرفه ای را می بختند و آزادی می گذارند. آنوقت ده نفر ده نفر از فرهنگیان و مردم صدیق را تیرباران می کنند.

آنها بی که می گفتند: "بازرگان، با امریکار و ماملش انقلابی عمل کن، آنها بی که می گفتند "زمینهای سلطنتی و گردن گلنهبها را بین دهقانان بی زمین و زحمتکش تقسیم کن، آنها بی که می گفتند "تمام سرمایه های امریکائی اخراج شوند و کارخانه ها را از آنها اداره کنند آنها بی

### بخشی از پیام پرسنل انقلابی به مناسبت ۱۷ شهریور

## "آیا هفده شهریورها تکرار نخواهد شد؟"

امروز با سخنان دیرپوز چه می شود؟ مدهای از نظامیان تحریک شده و عناصر وابسته به رژیم سابق همراه با پاسداران برای کشتار خلق کرد از یکدیگر پیشی گرفتند و عناصر گارد جاویدان در لباس پاسداران به سوی خلق بی پناه کرد آتش کشوند. برسل انقلابی که تا خود عید بستم اندر بروی خلق خود آتش نکشاید برمیانی خود ماندند و ار رمتن خود داری نمودند و اینک به جرم "تعد" در سپاههای حشدی به نام انتظار بیدادگاههای شاهنشاهی هستند. و نغز از پرسنل نظامی که به طلعت ماهره بودند تحت عنوان "ضد انقلاب" تیرباران شدند و مدهای نیز از پادگان تربت حیدریه گریختند.

پرسنل انقلابی با ایمان خود به مبارزات حق طلبانه خلق ها اعلام می دارد کسانی که ارتش را برای اعمال قدرت و سرکوبی خواسته های قومی و درون مرزی به کاری گیرند آگاه بسا نا آگاه چهار نعل به دامن امپریالیسم می تازند اینک ارتش شاهنشاهی مامل کشتار سی تیر، کودتای ۲۸ مرداد و ۱۷ شهریور و ... می رود تا سنگرهای از دست رفته را به دست آورد و راه برای ورود امپریالیسم آماده کنند.

اعلام منوعیت نظامیان به احزاب، بازاری و ضد اطلاعات و شعورای تداوم انقلاب، معو عناصر مزدورو بازگرداندن آنها به مشاغل حساس، انحلال شوراها و یک بازی ژنرالهای امریکائی، اعدام و شکنجه وزندان پرسنل انقلابی نشانده آست که در آینده ای نه چندان دور هفده شهریورها دیگری راه چشم خواهیم دید.

پرسنل انقلابی

بکامند و برهان خائن به جای وسر آن کردن نهادهای سرکوبگر گذشته، دستور ترمیم و میرت آنها را صادر کردند. آنگسون بعد از گذشت چند ماه از قیام بهمین بسور اکثر بهمی گذرد؟ پرسنل انقلابی که در سربان قیام با خالی کردن پادگانها و بازگشت به آغوش خلق خسود در راه سرکونی رژیم پهلوی جانفشانی کردند در تلاشی بی گهر و شبانه روزی بر آن شدند تا مسائل اجتماعی - اقتصادی را درون پادگانها بپزند و با مشارکت نظامیان سیاسی کردن ارتش رسالت واقعی آنها را که حفظ منافع زحمتکش است به آنها تفهیم نمایند. اما امپریالیسم و ارتجاع داخلی که منافع خود را موقتا از دست داده است بیکار نشست و به اختلافات عقیدتی و قومی دامن زد و از سوی دیگر بانگ برافراشت که مملکت در شرف تهریه است و تنها راه نجات ارتش است تا سبیل سلاحهای نظامی دیگر باره ایسران سوزایر شود و ثروت مملکت به تاراج رود و ارتش به عنوان حماق سرکوب سرمایه داران، جانی تازه بپاید.

ورود نظامیان در احزاب مسسوع شد و شوراها یکی بعد از دیگری از درون تپش و فرمایشی شدند. پرسنل انقلابی از ماها قبل خواستار آن بودند که برای حفظ دستاوردهای قیام خونین ارتش را در مسائل درون مرزی شرکت ندهید...

فرمان بسیج عمومی صادر شد و نظامیان بر سر دوزخی رفتن با رفتن قرار گرفتند. مگر تا همین دیرپوز و همساران فعلی فریاد نمی زدند "نظامیان سرسوی مردم آتش نکشاید و از پادگانها فرار کنید". مگر تا همین دیرپوز فریاد "برادر ارتشی چرا برادر کنی؟" در غیاب اینها طعن گزینی نمی آنگند؟ مگر تا همین دیرپوز کسانی که بروی خلق خود آتش کشوند بودند به جوخه های آتش سپرده نشدند؟ پس فرمان

هفده شهریور سراز غماز فلسفی خونین بر تاریخ مبارزات خلق قهرمان پرور ایران است. سالی از آن روز خونین گذشت. روز فریاد و گلوله و بهام خلقی مبارز برای سرکونی رژیم فاسد جولاد. دستور وحشیانه ترین کشتار قرن به وسیله شاه خائن داده شد و ارتش مزدور ما بر اجرای این جنایت هولناک گشت. میدان زاله ارضی رود جولانگه تا تک ها و مزدوران نظامی شد. تا تک ها و مسلل ها در اطراف میدان زاله مستقر شدند و مزدوران موم گرفتند تا با کشتار خلقی قهرمان، به آربابان امریکائی شان فرصت بیشتری در غارت و استعمار خلق زحمتکش مینشان بدهند. و چنین بود که زاله معادگاه جدال مشت و گلوله شد و معاد مردمی برای شهادت و راهی ارزویسیم دیکتاتوری و شاهنشاهی.

ارتش شاهنشاهی، تربت شده مستشاران نظامی و سیاسی امریکا سرکوب کننده مبارزات حق طلبانه خلق های تحت ستم منطقه مانند ظفار اینک سراپا صلح آماده بود تا در میدان زاله درباری غروشان خلق را به گلوله ببندد. فرمان آتش به وسیله فرماندهان خود فروخته صادر شد و حماسه آفریده گشت. حماسه هفده شهریور سند تنگ امریکا و ارتش مزدور و افتخار خلق قهرمان ایران شد.

اینک سالی از آن روز سرخ شهادت می گذرد. شهیدان گلگون کفن در بستر ننگ خاک خفته اند. شاه گریخت و امپریالیسم امریکا از هجوم خلق کاسی به عقب نشست و ارتش شاهنشاهی در روزهای حماسه آفرین بهمین از رهبران انقلابی توده ها ضربه ای جانانه خورد و می رفت تا با ختم انقلابی خلق ما شین سرکوبگر دولتی از بسج وین نابود شود. اما بسا گذشت روزها و ماها کوشش فراوان شد به لطائف الحیل از شور انقلابی توده ها

### تظاهرات و راهپیمائی دیلمه های بیکار در تهران

بیکاری، بیکاری، بیکاری عامل هر فساد است، دیلمه های بیکار که مدار خود را در هسوا تنگن می دادند ساعت حدود بیازده ونیم روز یکشنبه اول مهر از خیابان استاد مطهری (تخت طاووس) تا نخست وزیر راهپیمائی کردند. آنها بخدا به دنبال چاپ آگهی استخدام در راهروهای پمائی ملی در آنجا مجمع شده بودند و بعد از آنکه تعداد محدودی از دیلمه ها پذیرفته می شوند، از بقیه خواسته می شود که محل را ترک بگویند. و در مقابل اعتراض دیلمه ها، چند پاسدار اقدام به تیراندازی می کنند. به دنبال تیراندازی، جمع بیکاران تنها متفرق نمی میشوند بلکه دادن شعار می پردازند که "دولت انقلابی چرا تیراندازی در اینجا جایت شروع به حرکت کرد و سرخخت طاووس تا نخست وزیر را بسا شعارهایی از این قبیل پیچود. "ماد دیلمه بیکاره هستیم"، "مرگ بر سرمایه دار مامل

بسیاری، بیکاری، بیکاری، بیکاری عامل هر فساد است، دیلمه های بیکار که مدار خود را در هسوا تنگن می دادند ساعت حدود بیازده ونیم روز یکشنبه اول مهر از خیابان استاد مطهری (تخت طاووس) تا نخست وزیر راهپیمائی کردند. آنها بخدا به دنبال چاپ آگهی استخدام در راهروهای پمائی ملی در آنجا مجمع شده بودند و بعد از آنکه تعداد محدودی از دیلمه ها پذیرفته می شوند، از بقیه خواسته می شود که محل را ترک بگویند. و در مقابل اعتراض دیلمه ها، چند پاسدار اقدام به تیراندازی می کنند. به دنبال تیراندازی، جمع بیکاران تنها متفرق نمی میشوند بلکه دادن شعار می پردازند که "دولت انقلابی چرا تیراندازی در اینجا جایت شروع به حرکت کرد و سرخخت طاووس تا نخست وزیر را بسا شعارهایی از این قبیل پیچود. "ماد دیلمه بیکاره هستیم"، "مرگ بر سرمایه دار مامل

### خطاهای ما و عوام فریبی های ...

که وقتی مردم می پرسند شما از کجا استوخ شده اید که مکن وسند اشتباهی است هرگز نمی گویند قبل از اینکه ما این پوسته را از چاپ کنیم خود سازمان از اشتباهی که رخ داده بود رسا مگذر خواسته بودیم اما از آنجا که می دیدیم که اشتباه شده است. به هر حال اینها در قیامه با مجموعه وظایف و مسئولیت هایی که بردوش ماست تظاهرات را چه به نظری رسد، اما باید توجه داشت که ارتجاع موندی تر از آست که از هر خطای کوچک ما کوهی نمازد و علیه ما موم فریبی نکند. از اینرو ما موبدا موفظیم که همواره من بکاربردن کمال دقت در بخش اخبار، انتشار اسناد و افشگری سیاسی و غیره مواظب باشیم که چنین خطاهائی تکرار نشوند و در همین حال باید این موم فریبی ها موم فریبی موزبانان ارتجاع را قاطعانه افشا کنیم و اجازه ندهیم این خبرگان مرصه تزویسر و باو این حرفان حرفه ای بافتق بهشتی این ذهن مردم زحمتکش را به زهر جلیبی خانما نسوز آلوده سازند.

# درا هتزاز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کنفرانس وحدت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
بالاتر اجتماعی ترین جناح هبات حاکمه همداشته است. (قسمت دوم)

# مسئله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی خلق کرد جدا نیست

در شماره قبل موضع ارتجاعی "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر" را در رابطه با مبارزات خلق کرد مورد ارزیابی قرار دادیم و گفتیم که چگونه "کنفرانس وحدت" با دیدگاههای التقاطی خود و چسبیدن به تز انحرافی و مرتجعانه سوسیال امپریالیسم هنوز تکلیف خود را با صف نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، با صف نیروهای مترقی و مرتجع روشن نکرده است و بدون اینکه علاوه بر مبارزات توده‌ها شرکت داشته باشد، تنها با اتکا به عبارت پردازی های کلیبی و فرصت طلبانه به همصدائی با ارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه و ادارشده است. حال در این قسمت ضمن اینکه نمود عملی این دیدگاه التقاطی را در رابطه شخصی با مبارزات خلق کرد بررسی می کنیم موضع خود را نسبت به حزب دموکرات کردستان نیز روشن نمودیم در رابطه بین مسئله ملی و مبارزات طبقاتی خلق کرد را به اختصار شرح خواهیم داد.

متذکرید؟ و چرا می خواهید همه را در آن واحد به جنگ با خلق کرد بکشانید؟ تصریح می کنیم خطرناک ترین جنبه کارترین نیروهای ارتجاعی سازمان یافته "قباد موقت" است. (تاکید می کنیم نیروی کرد) و بر این اساس می توانیم بگوئیم که در راه افشاکاری و شناساندن ماهیت آن به یگانگی و پیش از همه تلاش کرده ایم. بگونه‌ای که امروز دیگر قباد موقت از صفوف خلق کرد کاملاً بیرون رانده شده و ماهیت ارتجاعی

## کوشش در جهت عمده کردن مسئله ملی و تحت پوشش آن به استقبال آشتی طبقات رفتن یک سیاست گاملا بورژوازی است.

دوستان می گوید عوامل فربهی محض است با این همه می پذیریم که بهائیه کردستان نتوانست تصویر واقعی و درستی از حزب دموکرات کردستان ارائه دهد و آنجا که تحلیل جامعی از حزب دموکرات کردستان کانون ارائه نشده است موضع سازمان در شماره ۱۳۷ حزب در ذهن نیروها عملاً مخدوش شد. از این رو ضروری می دانیم در پایان این مقاله تحلیل موضع خود را نسبت به حزب دموکرات کردستان ارائه دهیم:

۱- تاریخچه حزب دموکرات کردستان با حدود ۳۵ سال سابقه قدیمی ترین سازمان سیاسی کردستان است. این حزب برای شکست حکومت ملی و محلی قاضی محمد در سال ۲۵ به شمع اهلالتی حزب شده ایران بدل می شود که فقط تحت پوشش نام دموکرات عمل می کرد. در سال ۳۲ و ۳۸ رهبران آن دستگیر و به عنوان کمیت اهلالتی حزب توده ایران شناخته شدند. تا سالهای ۴۰ همه عناصر ملی و مبارز کرد در این حزب فعالیت می کردند و به جز آن هیچ جریان سیاسی دیگری در کردستان وجود نداشت. اما از نیمه دوم دهه ۴۰ نیروهای سیاسی رادیکال تریبا متغذ به امر ملی طبقاتی از میان همان جریان قدیمی شکل می گیرد. ملی سالهای ۳۷-۴۲ یک جریان رادیکال ملی که بر سر شیوه عمل مبارزه در داخل ایران با رهبری حزب اختلاف داشت با نام کمیته انقلابی حزب دموکرات آغاز به کار کرد که در سطح جنبش با نام جنبش ملحقان به نام ۳۶-۳۷ شناخته شده است. در این جریان وجود عناصر مارکسیست نظیر شریفزاده رادیکال طین، رادیکال آشتی ناپذیر مانند برادران مینی، ملا آواره، صدیق انجیری و... را می بینیم.

بعد از شکست این جنبش، رهبری کنوسی حزب دموکرات باتکیه بر این شکست سیاست ملی عملی خود را هر چه بیشتر تحت عنوان برخورد منطقی توجیه نمود و همچنان خارج از کشور در محفل‌های جدازت پورسه مبارزه خلق در کردستان باقی ماند.

همین رهبری در نخستین سالهای دهه ۵۰ بر سر انتظار حزب توده که خواهان تبعیت آن از مرکزیت حزب توده بود، عملاً از حزب توده جدا شد. در سالهای اخیر با احیای فعالیت حزب در کردستان با نفوذی که در کردستان داشت به صورت جریانی مستقل از حزب توده با شعار خود مختاری به فعالیت پرداخت و در تمام این مدت محور شکل آن مبارزه همراه کبحدود

و وابستگی آن به امپریالیسم و صهیونیستهای اسرائیلی افشا گردیده است. با این همه در شرایطی که حنایات ارتجاع حاکم اینگونه در کردستان بیداد می کند، نباید خلق کرد را با اهلالتیانه زیر شعار پیشروی اخراج قباد موقت کشید و بدین وسیله نیروهای مبارز کرد را غافلگیر کرد. این شعار در این شرایط چنانچه ناشی از بلاهت سیاسی نباشد (که به اعتقاد ما هست) توطئه آگاهانه است علیه خلق کرد.

سازمان مادر روزهای قبل از اوچگری تشنجات در کردستان، در فاصله تیسر و نوداد، ضروری می دانست که موضع خود را در مقابل تحلیل ها و خط مشی سازمان های سیاسی کردستان اسلام نماید. اما با بحرانی شدن اوضاع و تشنج کشته گسترده ارتجاع به کردستان ماهی درستی به این نتیجه رسیدیم که در آن روزهای حساب هر تحلیلی که بهانه بدست نیروهای ارتجاعی وابسته به سوز و زاری و عجز و سوز و زاری داده و وسیله حکومت نیست خلق کرد سازمانهای سیاسی آن قرار گیرد چیزی حرم نواشی با هیات حاکمه نخواهد بود. شیوه چنین برخوردی در آن روزها نیز ضروری می نهایت فرصت طلانه بود. این برخورد ها همان برخوردی است که حزب توده در کار بست آن مبارتی خامی مانند علاوه ما خود را موظف می دانستیم.

در برابر تلاش و وسیع رژیم برای لحن مال کردن حزب دموکرات و از آن میان بساز کردن راه برای سرکوب سبقت خلق کرد به دفاع از آنها بر عزم این شرط صداقت انقلابی بود و می بایست بصراحت و روشنی تمام بیان می شد.

کنفرانس وحدت در یک موضع ارتجاعی چنانکه گفتیم چنین نکرد و حزب توده با آن بز ترجم انگیزش به دیپورگی ارتجاع رفت که "می بینیم ما نیستیم پس چرا ما اذیت می کنید؟" همسوس شنیدند که اولی دموکراتها را "همسوس عامل بیگانه" حرفی کرد و دیگری مقاومت خلق کرد و سازمانهای سیاسی آن را "مذبذبه تحت عنوان خورنگ کن" صد

## برای پرولتاریا موضوع مهم عبارت است از تحکیم طبقه خویش بر ضد بورژوازی و تربیت توده‌ها با روح دموکراسی پیگیر و سوسیالیسم

انقلاب "کشید و می کردی حد را از ما حرا بیرون بکش".  
مادافع از سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان، حزب دموکرات کردستان و سازمان فدائی و سایر نیروهای سخت مقاومت خلق کرد را در برابر دولت مرکزی و ارتجاع حاکم و طغیان همسوس نیروهای مبارز و انقلابی می دانیم و اعلام موضع قاطع در برابر خواست خود مختاری خلق کرد و تأکید قاطع حق تعیین سرنوشت خلق کرد را تنها موضع واقف پرولتاریائی می شماریم و در بیانیه کردستان و در تمام شماره های نشریه کار نیز ما بر همین اساس حرکت کرده ایم.  
ما به صراحت نشان داده ایم که آنچه رژیم در مورد حزب دموکرات

کنفرانس چی هاد را اینجا ننشاند. شت خود را در زمینه همصدائی با ارتجاع حاکم روینکرده اند. دیدگاه و درکی که ارائه داده اند به غایت بورژوازی و غیر پرولتاری است. کجای فرهنگ مارکسیستی برای حمله به یک جریان آرترا" وابسته به سگانه" حرفی می کنند.  
سبب جد قدرت و تا کما آشکارا استریا سوسیالیسم پرولتاریائی برپا در فته است کنفرانس چی های ما فراموش کرده اند کی هستند و از چه کسانی دفاع می کنند؟ برای آنان که واقعا در راه آزادی طبقه کارگری رزمند بیگانگان و وابستگی به سگانه تنها و از هاشی است که بورژوازی برای تحمیل پرولتاریا و ماتالی کردن خط و طوطی طبقات به کاری برد. شمار مارکسیست‌های واقعی این است پرولتاریای سراسر جهان متحد شویم. و راه‌های چون اجتناب و اجتنای برستی سلاح کهنه و کندی است که بورژوازی علیه این شماره کاری گیرد. تاریخ ثابت کرده است که میهن پرستان برای مبارزه با سوسیالیسم و سوسیالیسم باید دید کدام میهن؟ میهن سوسیالیستی یا بورژوازی؟ مگر نه اینکه مارکسیسم

## برخورد کمونیستها با حزب دموکرات باید بر پایه خط مشی و سیاست حزب صورت گیرد نه بر پایه مبارزه با "پورتونیسیم" در درون آن.

منادی و موقی اتحاد کارگران با پرولتاریای کشورهای دیگر حتی علیه بورژوازی خود است؟ کنفرانس با بکار بردن این واژه صراحتا دست اتحاد به سوی بورژوازی دراز کرده است و به طور درشت به راه احزاب هیئتکار انترناسیونال دوم و ابدهای مرتجعانه کائونسی و جریانیهای بورژوازی ناب افتاده است.  
بورژوازی اینطور تبلیغ می کند که این خاک میهن است که برای ما عزیز است. ما می گوئیم این مردم زحمتکش میهن ما است که برای ما عزیز است. مردمی که متحد طبیعی همه انسانهای زحمتکش سراسر جهانند. خرد بورژوازی و تزویدت اسلامی را مطرح می کند. آنها می گویند وطن ما آنجاست که اسلام حاکم است. و پرولتاریا می گوید ما هم میهنی هستیم و وطن ما آنجاست که مردم ن

فقط سرمایه داری است که می گوید: ما میهنی شناخیم. مرزهای میهن ما تنها آنجاست که بازارهای فروش آن در دست ما است. مرز میهن ما آنجاست که پرولتاریای آن را اجیر کرده ایم. امروز که کنفرانس به این موضع غلطی شده است فردا که نیروی طبقات بالا گیرد چه خواهد کرد؟ علوم نیست فردا در برابر اتهامات رنگارنگ بورژوازی چه میگوید؟ در اینجا باید یادآوری کنیم که دنباله‌روی از احزاب کمونیست سارکونورها قبل از آنکه فاداریه انترناسیونالیسم پرولتاریایی حساب آید مجزواتوانی از تکیه به نیروی بیکران توده‌ها است که بدون اتکا بر آنها انقلاب هرگز به ثمر نخواهد رسید. محور توانی در ارائه تحلیل‌ها است که باید راه‌های عمل بیشتر پرولتاریا

۱- دنباله روی بی قید و شرط حزب توده از دولت شوروی (که به اعتقاد ما این انتقاد نه ناشی از اعتقاد به سبب های مارکسیستی که ناشی از عملکرد گرایش ناسیونالیستی در همین جناح به اصطلاح مارکسیست است).  
۲- سیاست دنباله روانه حزب توده را از حاکمیت موجود نفی می کنند و پذیرش درست رهنری روحانیت از جانب حزب توده را به زبان جنبش ترقی خواه خلق می شمارند (دلیل این موضع حزب دموکرات نیز ناشی از موقعیت انقلابی موجود در کردستان و همچنین سیاست تنگ نظرانه، انحصار طلبانه و سوسیالرتز خصمانه ای است که ارتجاع حاکم در کردستان در پیش گرفته است).  
۳- معتقدند رهبری حزب توده که از کنگره دوم حزب در ۳۰ سال پیش تا امروز در این کارها بوده است صلاحیت رهبری ندارد و باید کنار برود.  
از آنجا که ما معتقد نیستیم حزب دموکرات کردستان یک جریان مارکسیست نیست است ما آن را در درون جنبش کمونیستی ایران قرار نخواهیم داد. ما معتقدیم حزب دموکرات کردستان یک جریان دموکراتیک با گرایش لیبرالیستی است و عمدتاً متکی به افشار متوسط خلق کرد است و برای حل مسئله ملی در کردستان مبارزه می کند. این حزب تا امروز کلا در چهار چوب کلی نیروهای جبهه خلق در ایران قرار داشته است.

برخورد ما با این حزب باید لزوماً بر پایه این شناخت قرار گیرد. هر توجیه ارزایی نادرست از آن موجب می شود که به همکاری و اتحاد نیروهای ترقیخواه در کردستان آسیب های جدی وارد آید. برخورد کمونیستها با حزب دموکرات باید بر پایه خط مشی و سیاست آن حزب صورت گیرد نه بر پایه مبارزه با "پورتونیسیم" در درون آن. مبارزه با دشمنان ف لوزیک با آنان نه بر پایه تصمیم انحرافی آنان از مارکسیسم - لنینیسم بلکه بر اساس توضیح ماهیت خرد بورژوازی و دموکراسی غیر پرولتاریائی برای جنبش کمونیستی ایران است. زیرا شرط اتحاد نیرو با حزب دموکرات دقیقاً در همین مرزهای قاطع نهفته است حزب دموکرات حزبی است معتقد به سازش طبقات و تخفیف مبارزه طبقاتی در کردستان و حال آنکه برای هر مارکسیست لنینیست گسترش مبارزه طبقاتی و کانالیزه کردن آن تحت رهبری جریانیهای پرولتاریائی اساسی است حزب دموکرات به دهقانان تومیسه می کند اکنون که مسئله ملی در میان است درست نیست علیه آنها با او با زمینداران اقدامی بکنند. اول مسئله ملی را حل کنیم، بعد به اختلافات درونی خودمان بپردازیم. به اقتضای ماکوشن درجهت عمده کردن مسئله ملی و تحت پوشش مساله ملی به استقبال آشتی طبقات رفتن یک سیاست کاملاً بورژوازی است. سیاستی است که تنها مساله ملی را حل نمی کند بلکه اتکا به زمینداران و بورژوازی کرد با سیاست می شود که چرخ مبارزه ملی نیز کند. شورش خیانته آنان فرصت بیشتر مبارزه از خلق کرد باز ستاند.

هدف کردن مسئله ملی منحصراً دموکراتیست. خلق کرد همواره در سطح متفاوت تحت تاثیر ناسیونالیسم قرار دارد که طبیعتاً ناشی از است ملی است. هم اکنون به ویژه پس از پیروزی وحشیانه ارتش و پاسداران و کشتار خلق کرد آشکارا تمادهای طبقاتی باز هم بیشتر به فراموشی سپرده شده و تحت الشعاع مساله ملی قرار گرفته است. این است حاصل پیشبرد سیاستی خرد بورژوازی و بورژوازی ناسیونالیستی که در متن سرکوب و ستم طولانی و سنگین سرمایه داری شتگر در جامعه طبقاتی ما سخت خلق کرد را در حصار خود گرفتار است.  
این شیوه بورژوازی است که همیشه خواستهای ملی خود را در درجه اول قرار دهد و آنها را بدون هیچ تمسک و شرطی مطرح سازد. برای پرولتاریا این خواستها تابع منافع مبارزه طبقاتی است. از نظر تفرقی نمی توان از پیشش تخمین کرد که آنها این جدا شدن ملت است که انقلاب بورژوازی دموکراتیک را به پاس خواهد رسانید یا برابری حقوق آنان همان ملت دیگر؟ چیزی که در هر دو مورد برای پرولتاریا مهم است تأمین تکامل طبقه خود می باشد. برای سوز و زاری بقیه در صفحه ۷

# سرکوب خلقها خواست امپریالیسم و ارتجاع است



# ک

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بقیماز صفحه ۱

## به دنبال تصویب ولایت فقیه خیمه شب بازی مجلس خبرگان ...

واخوری، فیزیکی و شیمیایی، پزشکی و کشاورزی، صنعتی و تجاری و بالاخره همه امور را یک تنه حل و فصل خواهد کرد و با حذف همه تاسیسات عرض و طولی دولتی، از اسراف بیت المال، هم صرفه جویی خواهد کرد.

با گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی و به کرسی نشاندن این طرز تلقی در قانون عملاً تمام اصول قانون اساسی تحت الشعاع این اصل قرار گرفته است. در حقیقت بقیه اصول قانون اساسی یعنی کثک، یعنی حرف مصلحت چرا که همه امور به جانشین اسام و در حقیقت روحانی و علمای دین محول شده است. روی هراسی انگشت بگذاریم روح این طرز تلقی از حاکمیت فقیه در آن مشاهده می شود. و این درست خلاف آنچه می باشد است که مردم ما سالها برای به دست آوردن آن مبارزه کردند. مبارزه برای ایجاد حاکمیت خلق، یعنی حکومت مردم برای مردم، با تعمیم ولایت فقیه به قانون اساسی، دیگر حاکمیت مردم در دین و به شیوهان مذهبی حکومت

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند. مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

از همان ابتدای تشکیل مجلس موسسان معلوم بود که نیت کار چرخانان این مجلس آن است که طرح قشرونی و انحمار طلبان را در مورد قانون اساسی به یاد بکنند.

قربانی هادادند. این اصول اصل حاکمیت خلق و آراء مردم را آشکارا نقض کرده است. اصلی که مشروطه خواهان ۷۰ سال پیش برای تصویب آن خون داده بودند (هرچند که طی این مدت هرگز تحقق نیافت).

مجلس خبرگان حق حاکمیت رانه از آن مردم، گفاز آن روحانیون و به شیوهان مذهبی می داند و این امر را در اصل ۵ قانون اساسی که "ولایت فقیه" را تصویب کرده گنجانیده است. "شاکار" تزیه گردانان مجلس خبرگان در تصویب اصل ۵ یعنی حاکمیت مطلق فقیه مجلسی شده است. از این اصل به صراحت

با تعمیم ولایت فقیه به قانون اساسی، دیگر حاکمیت مردم در دین نیست حاکمیت در انحصار علمای دین و شیوهان مذهبی است.

می کند. به عبارت روشن تر ولایت فقیه حکومت فردی فقیه بر مردم است. و این آشکارترین و عبران ترین حکومتی است که در دوران ماسواست با استبداد فردی، چیزی که مردم ما سالها از آن رنج بردند و بالاخره تنها با قیام خود توانستند آن را سرنگون کنند. بحث در باره مجلس خبرگان و اصول تصویب شده نجات بررسی های وسیعی است که از حوصله این مقاله خارج است و ما سعی نمی کنیم در شماره های آینده، در مهوده صفحات نشریه، به آن بپردازیم. اصلاً آنچه در پایان این بحث باید متذکرینز شویم این است که:

تاریخ به کرات نشان داده است برخلاف تصور کسانی که براریک قدرت تکیه زده اند قوانین هر قدر زور و قدرت هم پشت آن باشد و به انگای سرکوب نیروهای انقلابی و با استفاده از انانگامی توده ها و فریب آنان امروز به راحتی به تصویب برسد در صورتی که با شرایط زمان و نیازهای عینی و ذهنی جامعه و خواست مردم هماهنگ نباشد دیرری نخواهد پاید و با اراده مردم به زبالدان تاریخ سپرده خواهد شد. و بدیهی است که "خبرگان محترم" ما هم نخواهند توانست با تمام کتیکه و تدبیه و چنست مکانی که برای خود دست و پا کرده اند جلوی این حکم محتمم تاریخ را بگیرند.

مستفاد می گردد که این مردم نیستند که حق حاکمیت بر سر نوشت خویش دارند، بلکه این حق از آن کسانی است که در امور دین خیره هستند. اصل حکومت کردن را حق و وظیفه آخوندهای مادل و متقی می داند و می گوید تنها این فشر هستند که صلاحیت حکومت دارند و نه نمایندگان منتخب مردم. یادآور شویم که این اصل به قدری ارتجاعی بود که با مخالفت اکثر نمایندگان غیر آخوند مجلس مواجه شده

از همان ابتدای تشکیل مجلس خبرگان معلوم بود که نیت کار چرخانان این است که طرح قشرونی و انحمار طلبان را در مورد قانون اساسی به یاد بکنند. طرحی

کسه می گویند "علماء" باید ناظر بر دولت باشند خود دولت. با تصویب اصل ولایت فقیه در حقیقت نظام سلطنت به "خلافت" بدل شده است نه جمهوری، جمهوری تنها

نامی است که به دروغ برای رژیم سیاسی نهاده اند. ولایت فقیه مردم را در حد "مجهورین و صغار" می شمارد و فقیه عادل راه نیاخت آنها، یعنی ۲۰ میلیون مردم ایران به حکومت می شناند. به این ترتیب سؤال این است که دیگر چه لزومی دارد که اینهمه دم دستگاره وجود داشته باشد؟ چه احتیاجی است که مجلس شورای رئیس جمهور و هیئت وزیران و غیره داشته باشیم؟ وقتی فقیه هست او می تواند همه کارها را بچند نفر دستیار و فرمان بر انجام دهد. او که بر همه امور اعم از اراضی و مساوی، دنیوی

سیاسی و انجمنهای دانشجویان و معلمین و تعطیل و اشغال خانه کارگر و سایر سازمانهای دمکراتیک و کتاب سوزان و همچنین تعطیل و تحریک و توقیف ۲۲ روزنامه سیاسی بایک حکم بی دلیل دادستان انقلاب اسلامی تهران همه اقداماتی بود که به عنوان مقدمات گنایش این مجلس می بایست صورت می گرفت و صورت گرفت. روزنامه نگاران خارجی به بهانه های مختلف از ایران اخراج شدند. لشکرکشی طبق نقشه به کردستان و حمله تبلیغاتی علیه خلق کرد در سراسر ایران انجام گرفت و صد هفتاد نفر از بهترین فرزندان خلق در کردستان و سایر نقاط ایران قتل عام شدند. در چنین اوضاع احوالی "خبرگان محترم" با خیال راحت در "کاخ سا" جلوس کردند تا برای مردم ایران قانون اساسی بنویسند. آن

انحصار طلبان در پوشش مذهب اکثریت قریب به اتفاق کرسی های مجلس خبرگان را به خود اختصاص داده و چنین خواستند هیچ نماینده ای از خلق کرد را در بین خود ببینند.

از همان ابتدای تشکیل مجلس خبرگان معلوم بود که نیت کار چرخانان این است که طرح قشرونی و انحمار طلبان را در مورد قانون اساسی به یاد بکنند. طرحی

با تصویب اصل ولایت فقیه، در حقیقت نظام سلطنت به "خلافت" بدل شده است نه جمهوری، جمهوری تنها نامی است که به دروغ بر این رژیم سیاسی نهاده اند.

که روح شیخ فضل الله نوری را شاد کرد و در صورتی که زنده بود به "طراحان" آن صد آفرین می گفت. این امر اثبات همان پیش بینی ما بود که در مقالات قبلی خود در جریان انتخابات مجلس خبرگان به آن اشاره کردیم و نوشتیم که با اوضاع و احوالی که می بینیم متن قانون اساسی که در مجلس خبرگان به تصویب خواهد رسید به مراتب ارتجاعی تر از پیش نویس ارائه شده خواهد بود و در جهت تسلط هر چه بیشتر مرتجعین قشری و روحانی که می گویند همه چیز را در انحصار مذهب در آورده حرکت خواهد کرد.

## مسئله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی ...

مهم این است که در برابر این تکامل اشکال تولید نماید و وظایف آن را تحت الشعاع وظایف ملت "خود" قرار دهد. (لنین در باره خود مختاری فوریه - ۱۹۱۴ میلادی) آری، حزب دموکرات همیشه خواستهای ملی خود را در درجه اول قرار داده است. حزب دموکرات بنا به ماهیت فیر پرولتری خود تموری کنسد آشتی طبقاتی بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی برای کسب حقوق برابر را تضمین می نماید و بخصوص تأکید می کند که در کردستان هر ساستی که بخواهد مبارزه ملی را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار دهد، "فیر عملی" است که از حمایت توده های مردم برخوردار نمی شود. البته این درست است که پیشبرد ساست های بورژوازی - ناسیونالیستی و عدم اتحاد آنان در قالب اتحادیه های دهقانی و اتحادیه های دهقانی دفاع می کرد، که بنابه ماهیت خود نمی تواند چنین ساستی را پیش گیرد قطعا همچون ترکمن صحرا مبارزه در راه دفع ستم ملی، مقام ثابت خود را می یابد و در خدمت مبارزه طبقاتی قرار می گرفت.

گذشته از این عمده کردن مسئله ملی در این شرایط درست محادل است باین در دادن به گرایشهای ناسیونالیستی و تنگ نظری های غرور بورژوازی. متذکرینستیم که مسئله ملی در کردستان جدا از پیروزی انقلاب دموکراتیک خلق در سراسر ایران قابل حل است و تنگ ذاهن به این گرایش ناسیونالیستی جز مخدوش کردن مبارزه طبقاتی و تحمیل توده ها و منحرف کردن ذهن آنان از دشمن اصلی خویش تری نخواهد داشت. هر کس که به موفقت استراتژیک منطقه و به موفقت کنونی مبارزه طبقاتی در ایران اندک آشنائی داشته باشد نمی تواند امیدوار باشد که خلق کرد در می تواند خارج از چهار چوب برائی آزاد و دموکراتیک به حاکمیت دموکراتیک دست یابد.

دز با نیاز لازم است اثار مکتوب مکتوبی بنام در باره مبارزه در کردستان که همعین مواضع حزب دموکرات در این زمینه تالیف کرده است (۲) - این کتاب برایه دیوع اثر رفیق شهید چریک فدائی خلق حمید موسوی حرملی کسرمو نام او را می آن نوشته اند. علاوه باید توضیح دهیم که این کتاب به نیاخت ژورنالیستی است که مجموعه ای از وقایع جزئی و اطلاعاتی را در خود جای داده است. پیداست که نویسنده حقیقی کتاب که دیدگاههایی ناسیونالیستی داشته، هوادار دموکراتها بوده ولی بعداً به جریانات دنباله رو چمن روی آورده است.)

در این کتاب آمده است: ستم های ملی و مذهبی حتی در کردستان تضاد طبقاتی را تحت الشعاع قرار داده است. به این ترتیب هر حرکت سیاسی - نظامی با توجه به این شناخت آغاز شده و تضاد طبقاتی از کانال تضاد ملی عمل خواهد کرد. (صفحه ۶) توجهی بورژوازی تر از این برای سرپوش نهادن به دیدگاههای تنگ نظرانه ناسیونالیستی نمی توان یافت. دیدگاه

مهم این است که در برابر این تکامل اشکال تولید نماید و وظایف آن را تحت الشعاع وظایف ملت "خود" قرار دهد. (لنین در باره خود مختاری فوریه - ۱۹۱۴ میلادی) آری، حزب دموکرات همیشه خواستهای ملی خود را در درجه اول قرار داده است. حزب دموکرات بنا به ماهیت فیر پرولتری خود تموری کنسد آشتی طبقاتی بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی برای کسب حقوق برابر را تضمین می نماید و بخصوص تأکید می کند که در کردستان هر ساستی که بخواهد مبارزه ملی را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار دهد، "فیر عملی" است که از حمایت توده های مردم برخوردار نمی شود. البته این درست است که پیشبرد ساست های بورژوازی - ناسیونالیستی و عدم اتحاد آنان در قالب اتحادیه های دهقانی و اتحادیه های دهقانی دفاع می کرد، که بنابه ماهیت خود نمی تواند چنین ساستی را پیش گیرد قطعا همچون ترکمن صحرا مبارزه در راه دفع ستم ملی، مقام ثابت خود را می یابد و در خدمت مبارزه طبقاتی قرار می گرفت.

در این کتاب آمده است: ستم های ملی و مذهبی حتی در کردستان تضاد طبقاتی را تحت الشعاع قرار داده است. به این ترتیب هر حرکت سیاسی - نظامی با توجه به این شناخت آغاز شده و تضاد طبقاتی از کانال تضاد ملی عمل خواهد کرد. (صفحه ۶) توجهی بورژوازی تر از این برای سرپوش نهادن به دیدگاههای تنگ نظرانه ناسیونالیستی نمی توان یافت. دیدگاه

### خانواده های زحمتکشان خواهان یکسان شدن امکانات آموزشی، بهداشتی و ورزشی مدارس جنوب و شمال شهر هستند.

طمان پستام

# مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

# گرامی باد یاد معلم شهید رفیق هرمزگرچی بیانی



رفیق شهید هرمزگرچی بیانی

چهل روز از اعدام رفیق هرمزگرچی بیانی توسط مرتجعین جنایتکار می گذرد، سال گذشته که موج اعتصابات سراسری بنام میهن مارافرا گرفته بود در آغاز سال تحصیلی رفیق گرجی بیانی یکی از گردانندگان اصلی اعتصابات علمین و دانش آموزان کرمانشاه بود که نقش عمده ای در مبارزات اعتصابی و سیاسی مردم شهر علیه حکومت دیکتاتوری پهلوی به عهده داشت.

رفیق هرمزگرچی بیانی در اسفند ۱۳۳۴ در خانواده ای فقیر در محله سرپه کرمانشاه متولد شد. در کودکی پدرش را از دست داد و از آن پس سرپرستی خانواده را به عهده گرفت. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در فخر کامل گذراند و پس از اتمام آن به سپاسی ستم منوطه در استان کرمانشاه در مدرسه فربک دانشگاه سرپه ادامه تحصیل برداشت. در سال دوم دانشکده بخاطر محبوسیتی که در دانشجویان به عنوان فردی مبارز داشت ارتطوف دانشجویان به عنوان مبارز داشت دانشکده را ترک کرد. در سال دوم دانشکده به خاطر فعالیت های دانشجویی و مبارزاتی در سال اول محکوم شد. پس از اتمام دوره محکومیت به اداره نظام وظیفه معرفی شد و پس از هفت ماه اقامت در آنجا که اکثر اوقات در آنجا گذرانده و در آنجا به فعالیت های دانشجویی و مبارزاتی در آنجا اشتغال داشت. در سال اول محکوم شد. پس از اتمام دوره محکومیت به اداره نظام وظیفه معرفی شد و پس از هفت ماه اقامت در آنجا که اکثر اوقات در آنجا گذرانده و در آنجا به فعالیت های دانشجویی و مبارزاتی در آنجا اشتغال داشت.

در دبیرستانهای محلات فقیرنشین به تدریس فیزیک پرداخت. در تابستان سال پنجاه معارف با احتشای تنگبین دوهزار و پانصدساله و به خاطر وحشت زوزم از افتخاری های عناصر مبارز توسط ساواک دستگیر و به سارروردانهای قزل قلعه و اوس شد. پس از چند سال ابرو در آنجا و دوباره به تدریس در دبیرستانهای کرمانشاه و به افتخای رژیم منور ساه پرداخت و در آنجا فعالیت های سیاسی از دانش آموزان کرمانشاه سیم به سرانجام رسانید. در شهریور سال گذشته پس از مدتها فعالیت با همکاری عده ای از دبیران، کانون معلمان کرمانشاه را بنیان گذاشت و به واسطه اول معلمان گردید. در دوره ارزانی بیانی پس از دستگیری حسن باریه جابه او محکوم شد و در دولتی موقت به سرپرستی رسید. او در این مدت اعلامیه های کانون را در مورد دعوت به اعتصابات و تظاهرات و افتخاری و کمروسی می کرد و خود را به عنوان یکی از

# یاد رفیق شهید، فدائی خلق، یعقوب تقدیری گرامی باد

رفیق امیر که نام اصلی او یعقوب تقدیری بود، در سال ۱۳۳۰ در محله ستارخان شهر تبریز دیده به جهان گشود. دوران کودکی او در خانواده ای زحمتکش گذشت. فضای بسیار صمیمی خانواده برای پرورش روحیه ای انسانی پختید. صداقت، شجاعت، مددکاری، خستگی ناپذیری و انضباط کاری از خصوصیات بارز رفیق بود. یعقوب با توجه به زمینه مستعد مبارزاتی که داشت در سالهای اول دهه ۵۰ به سوی مبارزه مسلحانه کشیده شد و مدت ها تلاش کرد تا با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران رابطه برقرار نماید و هنگامیکه کوشش هایش برای رسیدن به این منظور به جایی نرسید، تصمیم گرفت که به فلسطین قهرمان برود تا هم در آنجا به جنبش سیاسی خود را بالا ببرد و کارهای نظامی هم یاد بگیرد. رفیق در سال ۴۰ به فلسطین گذاشت و سه سال تمام در جنگ رزمنده فلسطین علیه صهیونیسم اسرائیل و امپریالیسم آمریکا شرکت جست و در این جنبه به تنگبین و قهرمانیهای زیادی از خود نشان داد. رفیق

ارتجاع و امپریالیسم می گوید نقد را به پهلوانه است که (به نظر حد اکثر افراد) مودی تر همین رژیم از جمله افرادی مثل دکتر پیرزادی به این دردی خورد که آبروی اسلام را به پهلوانه مردم راست به حکومت "بدبین" کند. اما خطا است اگر هر حمله ارتجاع به نیروهای مترقی را تنها به حساب طینت زشت و مودیگری آنها بنویسیم. یک عامل مهم در اینکه تا چه حد دروغ و حمله گری ارتجاع در توده های انقلابی، موثر افتد و حکومت بتواند به مرادش برسد آنست که طرف مقابل ارتجاع یعنی نیروهای انقلابی چگونه عمل کنند و تا چه حد مرتکب اشتباه شوند. فالانزها تا ما کمین کردمانند کتا کوچکترین "گزی" از ما بگیرند و راه پهلوانه را به پهلوانه راه پهلوانه و علیه ماسماشی کنند. مثلا روزنامه کار چند مدت پیش اشتباهات سندی را چاپ می کرد که توضیحات آن با خود ننشاند مربوط نبود. این خطا که بلافاصله در شماره بعد با توضیح و پوزش تصحیح شد ما خود اولین کسی بودیم که بسرای اجتناب از هرگونه برداشت ناهنجار توضیح دادیم که سند مربوط به حقوق کارگران ایرانی شرکت مربوطه به جای حقوق کارکنان آمریکائی چاپ شده است. اما ارتجاع در کمال بی صداقتی و بی شرمی که حملت ذاتی آنست چنانچه انتظار می رفت بکار نشستی و با اطلاع یافتن از موضوع شرح کثافی چاپ کرد و به درود یوار شهر چنانچه که به بنیاد افشای چگونه دروغ می گویند. از مرتجعین نمی توان انتظار داشت که عوام فریبی نکنند. مسامحه در صفحه ۵

# چرا باید در یک کلاس مدرسه جنوب شهر، بیش از ۷۰ محصل درهم بولند در حالیکه در مدرسه شمال شهر، همان کلاسها ۳۰ شاگرد داشته باشد؟

خطاهای ما و عوام فریبی های ارتجاع

چرا باید در یک کلاس مدرسه جنوب شهر، بیش از ۷۰ محصل درهم بولند در حالیکه در مدرسه شمال شهر، همان کلاسها ۳۰ شاگرد داشته باشد؟

# تکلیف سازمان چریکهای فدائی خلق به جنبش آزادی بخش خلق آنکولا - «مبلا»:

گرامی باد یاد رفیق آگوستینو نورو رهبر انقلابی خلق آنکولا

بخشی از پیام پرسنل انقلابی به مناسبت ۱۷ شهریور: آیا هفده شهریورها تکرار نخواهد شد؟

# بخشی از پیام دانش آموزان مبارز کرمانشاه به مناسبت اعدام رفیق گرجی بیانی: درود بی کران خلق به رفیق شهید هرمزگرچی بیانی

گرامی باد خاطر مهربانی ها و خدمتگزاری های رفیق شهید گرجی بیانی

آیا ایران به اسرائیل نفت نمی فروشد؟

# سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند